

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۱ / سال هفتم / شهریور ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



از اعتصاب کارگران فولاد اهواز و نیشکر هشت تپه حمایت می کنیم



در این شماره می خوانید:



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحد های تولیدی سراسر کشور ص ۹

کودک آزاری یا ورزش؟ ص ۳۱

صندوق آینده ساز به کدامین سومی رود؟؟ ص ۳۲

مصاحبه ناصر آغا جری ص ۳۴

گزارشی از فریدون نیکوفرد ص ۳۶

پیام های کارگران نیشکر هفت تپه ص ۳۸

اعتصاب برای گرفتن ۷ ماه مزد ص ۴۰

در سنگرود زمان ایستاده ص ۴۱

جنگ بالای سر کشورمان آیا به پرواز در خواهد آمد؟ ص ۴۷

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۵۵

اتفاقی فوق العاده زیبا ص ۵۶

سالانه ۴۰هزار دختر ۱۰ تا ۱۴ساله ازدواج می کنند! ص ۵۸

اسمش کارمه خاسون بود ص ۵۹

زنان شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می گویند ص ۶۱

دوست من کسی است ص ۶۳

تحصیل انسانیت ص ۶۴

ایمنی در کار، یعنی کیفیت دستمزد ص ۶۵

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۶۶

پیدایش و تکامل حیات ص ۶۸

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانده سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

تحریم های اقتصادی، جنگی علیه زحمتکشان ایران!



آنچه این روزها در صحنه جهانی در رابطه با کشورمان اتفاق می افتد، نه در رابطه با بهبود شرایط کار و بیکار و معیشت زحمتکشان ایران، بلکه جنگی تمام عیار علیه مردم ایران و مزدبگیران است. امپریالیسم آمریکا سردمدار سیاست هایی گشته که هدفش تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه و ایران است.

خواهران و برادران سندیکاهای کارگری جهان!

آگاه باشید که سیاست اعمال تحریم های اقتصادی یک جانبه که از سوی قدرت های بزرگ خصوصن آمریکا و متحدان علنی و پشت پرده آن در رابطه با ایران اعمال می شود، آغاز جنگی نابرابر بر علیه کارگران و مردم زحمتکش ایران است. این تحریم ها باعث تعطیلی و از کارافتادن کارخانه های تولیدی کشور، بیکاری بیشتر، گرانی روزافزون مواد خوراکی و دارویی و اجناس ضروری برای زندگی مردم ایران خواهد شد. این تحریم ها فرصتی طلایی

برای دلالتان و تجار ایجاد خواهد کرد تا که هرچه بیشتر سفره های مزدبگیران را کوچکتر کنند در این بین نه تنها آسیبی به جنگ طلبان نخواهد رسید بلکه آنان از راه احتکار و گران کردن اجناس مورد احتیاج خانواده های زحمتکشان به ثروت های بادآورده رسیده و بر طبل جنگ بیشتر خواهند کوبید.

خواهران و برادران آمریکایی و اروپایی!

برای جلوگیری از این فاجعه از شما می خواهیم که به دولت های خود فشار بیاورید که به این تحریم های فاجعه برانگیز نپیوندند و اجازه ندهید که با مالیات های شما به جنگ کارگران و مزدبگیران ایرانی از طریق تحریم های صنعتی دارویی و غذایی بیایند. از نمایندگان خود در پارلمان های کشورهایتان بخواهید مالیات ها را برای شکوفایی کشورتان نه نابود کردن بنیان زندگی خانواده های کارگری ایران بکار گیرند.

از خواهران و برادران فلزکار خود در کشورهایی که اتحادیه های کارگری نفوذی بر سیاست های دولت و مجلس دارند می خواهیم از دولت ها و مجلس هایشان بخواهند که به این تحریم ها نپیوندند و از جنبش کارگری و خانواده های زحمتکش ایرانی در مقابل سیاست های ضد کارگری از هر منشایی که باشند، حمایت کنند.

رفقای سندیکایی در اروپا و آمریکا!

ببایید دست در دست یکدیگر و با سازمان دادن جنبشی موثر برای مبارزه با تهدید اعمال تحریم های اقتصادی و جنگ اجازه ندهیم که فاجعه سوریه، عراق و لیبی برای مردم ایران تکرار شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۹ مرداد ۱۳۹۷

حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد از اعتصاب کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

برای چندمین بار در یکسال گذشته، کارگران ستم دیده شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای بدیهی ترین و اولیه ترین حق خود که دریافت حقوق در برابر زحمت طاقت فرسای خود می باشد، اعتصاب کرده کار را متوقف می کنند. کارگران هفت تپه هر بار چندین روز متوالی اعتصاب کرده اند اما نه تنها هیچ مسئولی در کشور، به فریاد دادخواهی شان رسیدگی نکرده بلکه با استفاده از پلیس و نهادهای امنیتی سرکوب هم شده اند. علاوه بر این اکنون نیز با فروش تکه تکه اموال و زمین های این شرکت، زمینه بیکار سازی کارگران بسیاری فراهم می شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه عدم پرداخت ماه ها حقوق، مزایا، عدم پاسخگویی و برآورده نکردن طلب های مختلف، ناروشن بودن وضعیت پرداخت بیمه، هرگونه اقدام برای فروش اموال و املاک ِ کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و هرگونه اقدام برای سرکوب مطالبات آنان، تجمع و اعتصابشان را محکوم می کند و از مسئولان کشور می خواهد هر چه سریعتر به فریاد دادخواهی کارگران هفت تپه و نیز سایر کارگران معترض رسیدگی نماید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳۱ مرداد ۱۳۹۷

از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه حمایت می‌کنیم!

حدود یک هفته از اعتصاب کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه می‌گذرد و هنوز پاسخی از سوی مسولین کارخانه و دست اندرکاران مربوطه، به این کارگران داده نشده است.

با توجه به جلسه نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در ارتباط با موضوع مطالبات کارگران اعتصابی، که با حضور فرماندار و نماینده مردم شهرستان شوش در مجلس، و در محل فرمانداری این شهر برگزار شد؛ پس از سه ساعت بحث و گفتگو، نتیجه‌ای حاصل نشد.

مهمترین مطالبات کارگران عبارتست از:

۱- پرداخت سه ماه حقوق‌های عقب افتاده که زندگی کارگران را با مشکل روبرو کرده است.

۲- امکان برخورداری از مزایای بازنشستگی سخت و زیان‌آور که در بیمه‌های واریزی محاسبه نشده است.

۳- برگشت کارخانه به دولت.

ما ضمن تاکید بر خواسته‌های برحق و قانونی کارگران، از اعتصاب برادران خود حمایت می‌کنیم.

درود بر کارگران اعتصابی

درود بر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲ شهریور ۱۳۹۷

احضار کارگران فولاد را محکوم می کنیم!

طی چند روز گذشته با احضار کتبی کارگران معترض گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب، بازپرسی از این کارگران آغاز گشت.

این کارگران در اعتراض به عقب افتادن پرداخت حقوق چندین ماهه خود و راهپیمایی در سطح شهر دستگیر و روانه زندان شده بودند که با وثیقه های ۵۰ میلیونی آزاد شدند. در حال حاضر ۴۰۰۰ کارگر این مجتمع صنعتی هنوز حقوق دریافت نکرده اند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعلام می کند دادگاه انقلاب باید دزدان و اختلاس گران این کشور را به پای میز محاکمه بکشاند نه کارگرانی که برای دریافت حقوق خود اعتراض می کنند. ما خواهان آزادی بی قید شرط این کارگران بوده و درخواست مجازات کسانی که گروه ملی صنعتی فولاد اهواز را به این روز انداخته اند را داریم.

ما حمایت بی دریغ خود را از برادرانمان کماکان ادامه خواهیم داد و آنان باید به آغوش خانواده و به سرکار خود برگردند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۷ مرداد ۱۳۹۷

بازگشت هیات اعزامی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به ترکیه



به دعوت فدراسیون جهانی اینداستریال و به میزبانی فدراسیون دیسک ترکیه و سندیکای کارگران متحد فلزکار ترکیه، هیاتی از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران جهت گذراندن دوره ای آموزشی سندیکایی و تبادل نظر از ۱۵ تا ۱۹ مرداد در ترکیه به سر برد.

در این مدت دیدارهایی با معاون اینداستریال آقای کمال اوزکان و مسوول ارتباطات اینداستریال ، دبیرکل فدراسیون دیسک ترکیه، مسوولین سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه در مورد شرایط سندیکاهای کارگری ایران، وضعیت زحمتکشان ایران، سیاست های امپریالیسم آمریکا در سطح جهان و منطقه خاورمیانه علیه زحمتکشان، جنگ در سوریه و مهاجرت ، دفاع از مهاجرین در اروپا و مبارزات فدراسیون دیسک و سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه، گفتگوهایی بین طرفین صورت گرفت.

همچنین مبارزات اینداستریال در سطح جهانی و تاریخچه مبارزات فدراسیون دیسک و سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه به هیات اعزامی از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ارایه گردید.

در پایان همبستگی فدراسیون جهانی اینداستریال با زحمتکشان ایران و همچنین فدراسیون دیسک و سندیکای متحد کارگران فلزکار ترکیه با سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران اعلام گردید.

مشروح این دیدارها بزودی با عکس و تفصیلات منتشر خواهد شد.

(این سفر به هزینه فدراسیون جهانی اینداستریال صورت گرفت)

۲۰ مرداد ۱۳۹۷

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
ایران

گر سنگ از این حدیث بنالد عجیب نیست!



با تاسف درگذشت هما سلطانی دختر وکیل شجاع عبدالفتاح سلطانی و آموزگار کوشنده خانم معصومه دهقان را به خانواده سلطانی تسلیت می‌گوییم.

همرد و داغدار خانواده ای هستیم که جز کوشش برای حق کار، حق امنیت، حق زندگی آزاد، حق فعالیت های کارگری و بشردوستانه در زندگی پر افتخارشان، چیز دیگری نبوده است.

امید که این غم ناباورانه با آزادی همیشگی آقای سلطانی تا حدودی کاسته شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۳ مرداد ۱۳۹۷

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



مشکلات کارگران ذوب آهنی در مواجهه با خبرنگار پیام سندیکا



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- حق ماموریت ورزشی به کارگران داده نمی شود. آیا این باعث نخواهد شد که کارگران به جای ورزش به سمت خمودگی و اعتیاد میل کنند؟ ورزش کارگری از حقوق کارگران است و بخشی از دستمزدها به شمار می رود که در قانون کار هم آمده است.

۲- متاسفانه هزینه واکسیناسیون، ترک اعتیاد، و آزمایشات دوره ای را بیمه ایران به عهده نمی گیرد. این یکی از اشکالات کار بخش درمان ذوب آهن است.

آیا ذوب آهن نمی خواهد کارگران معتادش ترک اعتیاد کنند؟ آیا مدیریت نمی خواهد با واکسیناسون، پیشگیری از درمان عملیاتی شده و کارگران کمتر بیمار شوند؟ آیا آزمایشات دوره ای که اطلاع رسانی به موقع در مورد بیماری های فراگیر در ذوب آهن است را مدیریت نمی خواهد قبول کند و کارگران با سرطان های شایع در ذوب آهن باید تنها گذاشته شوند؟ سود تولید از این ذوب آهن باید به کارگران برسد یا رانت خوران و مدیران بی عرضه ای که ذوب آهن را ورشکسته کرده بودند؟ سیاست مدیریت جدید چیست؟

۳- چرا بازنشستگان سال ۹۶ ذوب آهن تسویه حساب و مطالبات خود را پس از گذشت یکسال هنوز دریافت نکرده اند؟؟؟ این درحالی است که این روزها با گرانی پیش آمده باید مدیریت مالی بیشتر به فکر بازنشسته های ذوب آهن باشند

۴- در این هوای گرم و طاقت فرسا خرابی هواساز طرح قائم هم بر مشکلات کارگران اضافه کرده است.

۵- کمبود آب در رختکن مدیریت فولاد و نبود آب برای استحمام یکی از مشکلات این روزهای این کارگران است. متاسفانه آب آشامیدنی هم فقط در دو نوبت صبح و بعدازظهر توزیع می شود که ناکافی است.

۶- لباس کارمندی در فولادسازی توزیع نشده است؟ چرا این اقدامات به موقع انجام نمی شود که ناراحتی کارگران را به همراه نداشته باشد؟

۷- در سال گذشته ۳۵۰۰ میلیارد تومان بدهی ذوب آهن با مطالبات تامین اجتماعی از سوی دولت قرار بود تهاتر شود که همچنان در حال پیگیری است. این پیشنهاد کارشناسان سندیکا در دو سال قبل بوده است

۸- سختی کار کارگران طرح قائم از سال ۹۲ تا ۹۴ پرداخت نشده است. با توجه به سختی کار در ذوب آهن باید بازنشستگی پیش از موعد برای کارگران فراهم شود

۹- چرا در مورد توزیع پاداش صرفه جویی به اشخاص، شاخص انتخاب این افراد را بازگو نمی کنند؟ همچنین پرداخت پاداش های کارگران از طریق بانک پارسیان موجب اشکالاتی شده است، لطف مدیریت برخورد کند

۱۰- پذیرایی شیفیت شب از سوی پیمانکار مربوطه در رستوران های شرکت بصورت نامرتب و نامطلوب انجام می شود، مدیریت اقدام کند

۱۱- تهاثر بدهی ذوب آهن با حمل و نقل ریلی با تحویل ریل ملی به راه آهن صورت خواهد گرفت

۱۲- صعود ۲ تن از کوهنوردان ذوب آهنی به قله لنین در قرقیزستان را به همه کارگران سخت کوش ذوب آهن شادباش می گوئیم (گروه کوهنوردان فلزکار)

۱۳- کارگران کارگاه نورد ۶۵۰ که ویژه تولید ریل ملی است، سرعت تولید را بالا برده و ۱۰۰۰ تن ریل ملی جهت تحویل به راه آهن را مهیا نموده اند. کارگران از مدیرعامل انتظار پاداشی در خور این سرعت تولید را دارند

۱۴- با توجه به اینکه سالهاست موضوع مرخصی ۳ روزه زایمان ویژه پدران در شرکت مطرح است و جزو قوانین کار نیز می باشد ولی شرکت از ابلاغ آن طفره می رود چرا؟؟؟

۱۵- هزینه های بیمه تکمیل درمان بیمه ایران بسیار دیر پرداخت می شود چرا؟؟ کارگران خواستار پرداخت بیمه عمر و حوادث کسر شده خود در سال های قبل هستند. مدیریت مالی عنایت بفرماید

۱۶- با توجه به گرانی های روز افزون باید سطح وام ضروری افزایش یابد

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از طرح های مدیرجدید عامل نوب آهن

سالهاست در گزارشات خبرنگاران پیام سندیکا از نوب آهن، مشکلات کارگران به همراه پیشنهاد برای رفع آنان منتشر می شود، امید که مدیریت جدید به پیشنهادهای ما که بخشی در این گزارش آمده است عمل کند. مدیر عامل نوب آهن طرح های خود را اعلام کرد :

- ۱- عوض شدن نگاه مدیریت مالی و تشکیل اتاق فکر و رابطه با دانشگاه آزاد
- ۲- صرفه جویی در مواد اولیه و اضافه کاری باید مدیریت شود
- ۳- ساختار سازمانی نوب آهن بر نیاز باید استوار باشد حتی بعد از هر سه ماه با هدف افزایش بهره‌وری می تواند تغییر کند
- ۴- پاداش تولید باید هدفمند و بر اساس بهره‌وری و عملکرد افراد قسمت‌ها تعیین شود
- ۵- خانه سازی در چارت جدید در حوزه منابع انسانی پیش بینی شود تا مشکل کارگران رفع شود
- ۶- بیکاری و کم کاری افراد تقصیر کارکنان نیست و ما باید برای آنها کار ایجاد کنیم
- ۷- افزایش ضریب ایمنی وظیفه ماست و همه کارکنان و حتی مدیرعامل باید با کفش و کلاه ایمنی سرکار بیایند
- ۸- غذای کارکنان باید مناسب باشد و ما مسوول سلامت و بهداشت فردی کارکنان هستیم
- ۹- افزایش مهارت و دانش کارکنان در همه سطوح و آموزش نیروی انسانی

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



ایران خودرو

با توجه به خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم های یک جانبه علیه ایران، متاسفانه شاهد افزایش شدید نرخ ارز در کشور شدیم.

به تبع این افزایش، تورم نیز شیب تند و افزایشی پیدا کرده است و صنایع داخلی از جمله خودروسازان و قطعه سازان تحت تاثیر این نوسانات قرار گرفته و تولید شرکت ایران خودرو به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرد.

متاسفانه اولین قشری که تحت تاثیر اینگونه عوامل قرار میگیرد، کارگران هستند که هم از لحاظ درآمدی و هم از لحاظ امنیت شغلی، بسیار شکننده و متأثر هستند.

تاثیر این تحریم ها بر کارکنان ایران خودرو، شامل کاهش چهل ساعتی اضافه کاری، کم شدن آکورد تولید و پرداخت نشدن رکورد می باشد.

کارگران ایران خودرو از ۳۰ مرداد برای ۱۰ روز به مرخصی تابستانی رفتند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت اسفالت طوس



شرکت اسفالت طوس

بعد از ۱۵ روز از اخراج کارگران شرکت اسفالت توس این شرکت قادر به گرفتن نیروی جدید نیست. کارگران این شرکت را تحریم کارگری کرده اند. امور اداری و سرپرستان به هر کارگری زنگ می زنند کارگران شرط می گذارند که باید تعهد بدهید که دستمزدها به موقع پرداخت شود

در حال حاضر مدیران شرکت به کارگران شاغل می گویند با شرایط و بی پولی شرکت بسازند و غالب بر ۱۰ روز است که از دادن دستکش به کارگران امتناع کرده اند.

با تحریم کارگری صورت گرفته شرکت تا ماه آینده به مشکلات جدی برخورد خواهد کرد و این درسی است که تحریم کارگری به کارفرما می دهد.

روزانه این شرکت بیش از ۱۰ میلیون تومان ضرر می کند.

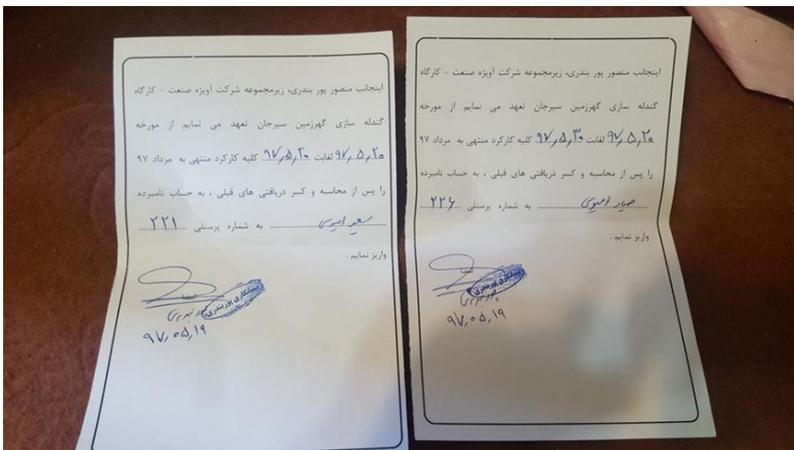
گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب در گل گهر سیرجان

اعتصاب پنج روزه ۸۰ کارگر اسفالت توس در شرکت گلگهر سیرجان روسا را به واکنش وا داشت و آقای رجایی رییس کارگاه اسفالت توس با تلاشهای بی وقفه خود نتوانست کارگران را به پروژه برگرداند. این اعتصاب در پی عقب افتادن چهار ماه حقوق کارگران زحمت کش پیمانکاری پوربندری در شرکت اسفالت توس و شرکت گوهر زمین که در فاز سوم گل گهر سیرجان واقع می باشد اتفاق افتاده است.

کارگران تا شنبه به شرکت مهلت داده اند حقوق عقب افتاده را تسویه کند.

اقای درخشی رییس کل اسفالت توس بی ادبانه با کارگران صحبت نموده و کارگران زحمت کش تهدید به تصفیه حساب کرد و از شرکت اسفالت توس و پیمانکار پور بندری خواسته که خسارت وارد شده را از حساب کارگران کم کند .

امروز جمعه بعد از چهار روز اعتصاب کارگران گندله سازی شرکت اسفالت توس، ۷۰ کارگر را تصفیه حساب کامل نیروهای پیمانکار پور بندری انجام شد. عکس ها گویای این موضوع هستند.



دروء به کارگران زحمتکش شرکت اسفالت توس گل گهر سیرجان



تمامی اعضای گروه پایبندگ و اکیب پیروژه ای ها و اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حمایت خود را از خواسته های شماعزیزان اعلام میدارند.

هرکارگری که بخاطر ضایع شدن حق و حقوقش و سایر کارگران اعتصاب کند مطمئن باشد پیروز خواهد شد و ما همگی در این گروه هدفمان اتحاد کارگری و مسائل و مشکلات کارگران هست

در هیچ کجای قانون نوشته نشده که کارگر بیشتر از یکماه کارکرد و دسترنجش نزد پیمانکار باقی بماند و این قوانین نامطلوب در طول زمان به کارگران تحمیل شده است.

با یک حساب سرانگشتی اگر فقط بخواهیم سود حاصله از حقوق کارگر که نزد پیمانکار تلمبار شده را حساب کنیم میتوان بصورت تقریبی گفت کارفرما یا پیمانکار دارد سود پول خود کارگر را بخودش بعنوان دستمزد می پردازد.

تعداد نفرات و کارگران را محاسبه کنید و مبلغ را ضربدر چهار ماه کنید و با سود بانکی محاسبه کنید آنگاه به درستی استدلال ما پی خواهید برد و این در حالی است که پیمانکار با این پول قراردادهای میلیاردی می بندد

عزیزان کارگر دیگر ذلت و خواری کافیت !

از یک طرف تورم و گرانی باعث شده کارگران پنجاه درصد از قدرت خرید خود را از دست بدهند و کارگران نمی توانند حتا مایحتاج زنده ماندنش را تامین بکنند. این فعلن مرحله اول و نتایج اولیه چند تحریم توسط امریکاست.

در طول مدت سه ماه آینده که تحریمهای نفتی شروع بشوند بصورت کلی ما نمیتوانیم نان خالی را هم برای خانواده هایمان تامین کنیم، چون نه پولی در مملکت برای ملت باقیمانده و نه فروش نفت و مشتقاتی داریم. بازار کار تعطیل خواهد شد همین چند پتروشیمی که بالاخره الان تعدادی از ما کارگران از این طریق نان میخوریم هم تعطیل خواهند شد بدون تردید .

حالا با اینهمه مشکلات چرا باید زیر بار ظلم و ستم پیمانکاران بدحساب برویم؟؟

پس چاره در اتحادیست. مطمئن باشید اگر اتحاد نباشد این مشکلات سراغ تک تک ما می آید.

هدف فقط اتحاد و احقاق حق و حقوق کارگران هست و ما کاری باسیاسی بودن نداریم. سیاست داشته باشیم چون زندگی با سیاست طی میشود ولی سیاسی نباشیم.

با تشکر از اطلاع رسانی دوستان عزیز و کارگران هم گروهی و سپاس از عزیزانی که در اعتصاب شرکت دارند.

رضا کارگر پروژه ای

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت های متخلف پروژه ای

۱- در کشتی سازی بندرعباس تاکنون شش ماه است هنوز حقوق نداده اند. با اعتراض کارگران به این عقب افتادن حقوق ها سیصد نفر از کارگران را اخراج کردند و جالب این است که با کارگران تسویه حساب هم نمی کنند.

۲- بیشتر پیمانکاران و شرکت هایی که در منطقه بندرعباس و یا عسلویه کار می کنند بیش از ۵ ماه است که حقوق به کارگزارانشان نداده اند.

۳- پالایشگاه ستاره خلیج و پیمانکارانش از سال گذشته به دلیل بد رفتاری با کارگران و بستن قراردادهای برده وار که در آن کارگر متعهد می شود تا ۶ ماه حقوق نگیرد و چنانچه اعتراض بکند از پروژه اخراج و هرچه شرکت دلش خواست به او بدهد، توسط سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکبپ پروژه ای ها تحریم کارگری شده و از کارگران خواسته شده به این پالایشگاه برای کار نروند. عقب انداختن حقوق کارگران بیش از ۷ ماه در این پالایشگاه به امری عادی تبدیل شده است

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت شهید رجایی

در این شرکت عقب افتادن حقوق کارگران برای چندین ماه به یک امر طبیعی تبدیل شده و در حال حاضر هنوز دستمزد فروردین ماه داده نشده است، آنهم در گرمای ۵۵ درجه خوزستان. حتی ۲۰ درصد افزایش حقوق کارگری هم درفیش حقوقی امسال لحاظ نشده است. در این شرکت برای کارگر فیتزر ۴ میلیون ۲۰۰ هزار حقوق تعیین شده که پیمانکار به فیتزر ۲ میلیون ۸۰۰ پرداخت می کند برای ۱۲ ساعت کاری در گرمای سوزان.

از موارد جالب در این شرکت فراری شدن پیمانکار یوسفی با دستمزدهای کارگران می باشد.

پیام فرستاده شده کارگران به پیام سندیکا

شرکت دی زیر مجموعه بنیاد مستضعفان در پروژه توسعه بندر بوشهر (نگین) به نقل از کارکنان و کارگران این شرکت از برج ۱۲ بیعد هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند و تنها با مساعده اندک کارگران رابا پایه حقوقهای پایین در تنگنا قرار داده اند. شرایط آب و هوایی بد و بدی مسیر بین بوشهر و اسکله نگین رفت و آمد را نیز باید اضافه کنیم. و مساله بعدی همجواری خوابگاههای کارگری در جوار کارگاه لایروبی نیز از مشکلات بر فراوان کارگران افزودست. امیدواریم صنایع کشتیرانی و بنادر و گمرک با توجه به سود کلانی که از این راهها بدست می آورند یارای دستان بی رمق و سفره های خالی کارگران باشند

جواد کارگر پروژه ای

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شهرک صنعتی ویان

شهرک صنعتی ویان در کیلومتر ۴۵ جاده همدان به قزوین واقع شده است. به غیر از کارخانه فن پاک بخار که در سه شیفت کامل کار می کنند و حقوق هایشان هم مرتب پرداخت می گردد، کارخانه های اندکی چون فولاد راد با یک خط تولید شبانه روزی ، الوان ثابت با ظرفیت کامل ، دو اسید سازی (تولید اسید سولفوریک ۹۸ درصد) ، شرکت فراپل ، کارخانه شیمی معدنی و چند واحد تولیدی کوچک ، بقیه کارخانه ها تعطیل هستند. حقوق های کارخانه های ذکر شده با تاخیر ۴۵ روزه تا دو ماه پرداخت می شود.

کارفرمایان به علت وجود بالا رفتن قیمت ارز توانایی خرید مواد اولیه را به شکل عجیبی از دست داده اند. سفارش ها ساخت و تولید از سیستم ریالی تبدیل به تهاتر یا اوراق با مدت چند ساله شده است. کارگران که هیچ آینده خوشی را در پیش رو نمی بینند عصبی ، نگران و ناراحت از وضعیت هستند و حتا ترجیح می دهند که وارد پروسه ی بیمه بیکاری شوند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت مارون سازه

از شرکت مارون سازه از جمله شرکت هایی است که در عسلویه مشغول به کار است و کارگران از وضعیت کاری این شرکت به هیچوجه راضی نیستند.

حقوق فیتتر درجه یک نهایتاً ۳ میلیون ۲۰۰ هزار تومان و حقوق فیتتر درجه دو ۲ میلیون ۲۰۰ هزار تومان نهایتن است. قرارداد ها هم بر مبنای ۲۵ روز کاری بسته میشوند. خوابگاه کارگران هم در خوابگاه خلیج اول نخل تقی کنار ساختمون سوخته قرار دارد.

از لحاظ امکانات بد نیست ولی بسیار بسیار شلوغ و تا بخواهند جا برایت مشخص کنند چند روز طول خواهد کشید. خوابگاه خلیج اول کنار ساختمان سوخته ۲۰۰ کارگر یکجا زندگی میکنند حمام و سرویس بهداشتی زیر صفر از لحاظ غذایی هم افتضاح است.

کار کم شده کارگر هم زیاد. آدمهایی هستند تا حالا پروژه کار نکردند یعنی کارشون پروژه نبوده یا بنا، راننده، کشاورز، دامدار و ... که الان با این اوضاع مملکت بیکار شده اند، به پروژه ها آمده و حاضرین با حقوق پایین کار کنند یعنی مجبورن بخاطر اینکه شکم زن و بچه هایشان را سیر کنند و شرمنده خانوادشون نشوند حاضرین تن به همه نوع ظلم و ستم بدهند. به همین خاطر کارفرماها این وسط ب فکر سود خودشان بوده و حقوق و مزایای کمی را به این کارگران می دهند. این وسط کارگران حرفه ای و کسانی که نمی خواهند به این وضعیت برده وار تن بدهند یا باید بسوزیم یا بسازیم

جلیل کارگر پروژه ای از نخل تقی

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت کارگران پروژه ای



کارگران پروژه ای در پروژه های مختلف کار می کنند اما مشکلات یکسانی دارند. همه آنها از خوابگاهها، وضعیت غذا، سرویس های بهداشتی و حمام، سرویس های حمل و نقل بدون کولر رنج می برند. به جای ۱۵ روز کار و ۱۵ روز مرخصی با ۲۴ روز کار و ۶ روز مرخصی مواجه هستند

برای نمونه شام کارگران شرکت آریا نگین ماشین سازی اراک به پیمانکاری آقای پرویز محمودی را ببینید تا به عمق فاجعه پی ببرید.

در این پروژه هر هشت یا نه نفر در یک خوابگاه زندگی مشقت باری دارند که باید مختص ۴ کارگر باشد. رستوران ندارد و سرویس حمام و دستشویی هم افتضاحه است و پر از سوسک و مورچه می باشد. در داخل توالت ها به دلیل نبود هواکش غیر قابل تنفس است به ویژه در دمای ۶۰ درجه تابستان

واقع نمی دانیم آقای پیمانکار و روسای شرکت هم در زندگی خصوصی ایشان هم اینگونه با خانواده شام می خورند؟ توالت شان همینگونه کثیف است؟ و پر از سوسک و مورچه فضای بد بو؟؟ اگر این چنین است بدا به حال خانواده آقای پرویز محمودی و روسای شرکت آریا نگین

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از لاستیک پارس ساوه



کارخانه لاستیک پارس واقع در شهرک صنعتی ساوه با ۸۰۰ کارگر روزگار سختی را می‌گذراند.

در آبان ماه سال گذشته و به دلیل سود آور نبودن شرکت طبق اصل ۴۴ این شرکت در مزایده به مبلغ ۱۶۰ میلیارد به خانم میترا فرزاد نیا بصورت اقساط فروخته شد، که با توجه به رانتی که این خانم از آن بهره برد کارخانه لاستیک پارس را به قیمت ارزان مال خود کرد.

با آمدن صاحب جدید کارخانه و نصب مدیران غیرحرفه‌ای، کارخانه با بحران کارگری روبرو شد. از جمله این مدیران آقای نظری بود که ۴۰۰ کارگر را در ابتدای امر اخراج کرد. سپس با ادغام بخش‌های مختلف کارخانه شرکت را از ۴ شیفت به ۳ شیفت و مجددن به ۲ شیفت تغییر داد. دو

شیفت هشت ساعته صبح و عصر کار. طبعن حق شیفت کارگران از بین رفت و با آوردن کارگران شیفت های برداشته شده دیگر نیازی به اضافه کاری کارگران احساس نمی شد. همین اقدامات باعث شد دریافتی کارگران به مقدار قابل توجهی کاهش یابد.

آقای نظری در ادامه اقداماتش مدیرانی از بیرون با حقوق های آن چنانی استخدام کرد و این درحالی بود که کارگران با کمترین حقوق کار می کردند. ایشان مدعی بود که با اقداماتش بدهی های شرکت را می پردازد که امروز مشخص گردیده ریالی از بدهی های شرکت پرداخت نگردیده است زیرا مدیر مجتمع آقای مهندس کاری در سخنرانش در روز دوشنبه مورخ ۹۷/۵/۲۹ گفت: «شرکت هنوز مبلغ ۷۸ میلیارد بدهی دارد».

کارخانه لاستیک پارس در حال حاضر روزی ۸۰ تن تولید دارد و طبق گفته کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تولید بالای ۷۰ تن سود زاست.

با توجه به عدم تعهد مالک در پرداخت بدهی های کارخانه، معامله یکطرفه فسخ و خودبه خود قرارداد و اگذاری و انتقال ملغا می شود

امید که سرنوشت لاستیک پارس به سرنوشت هپکو دچار نشود.

خواسته های کارگران به شرح زیر است:

۱- کارخانه به بخش خصوصی واگذار نشود.

۲- مالکیت آن هر چه زودتر مشخص شود و دولت آنرا مجددا بگیرد.

۳- کارخانه به تکنولوژی روز دسترسی پیدا کند و طرح و توسعه یابد تا بتواند محصولی با کیفیت و به روز بیرون دهد و در گردانه رقابت باقی بماند.

پیام کارگران فولاد کاویان اهواز به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران



شرکت فولاد کاویان در اهواز به ریاست آقای دانیال زاده و پیمانکاری آقای بارانی چندین ماه است که به کارگران پیمانی چندین ماه حقوق نداده اند و کارگران هر چند که اعتراض می کنند ولی بی فایده است.

این کارگران خدماتی و کارگرانی که زیر نظر پیمانکار کار می کنند مستاجر بوده و عقب افتادن حقوق به مدت ۳ ماه و یا بیشتر روزگار اسفناکی را برایشان رقم زده است. شوربختانه کارگران هر موقع که اعتراض می کنند یا جواب نمی دهند یا تهدید به اخراج می کنند. از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک می خواهیم صدای اعتراض ما باشد

خواسته های راننده های کامیون

خواست های رانندگان کامیون در اعتصابشان در هفته های اخیر عبارت بودند از: افزایش ۵۰ درصدی نرخ کرایه ها، حذف دلال ها در قالب " شرکت های حمل و نقل " که " بین ۵۰ تا ۸۰ درصد هزینه حمل را به عنوان کمیسیون خود " برمی داشتند، پرداخت دوباره سهم دولت از " حق بیمه رانندگان " حذف واسطه ها از فروش لاستیک و لوازم یدکی، تعیین کرایه بار بر اساس فرمول "تُن بر کیلومتر"، " تسری سخت و زیان آوری " کار برای این صنف، و حذف افزایش اخیر عوارض جاده ها.

مطالبات کارگری شرکت کانی مس



بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، شرکت کانی مس از شرکت های اقماری این مجموعه، طی فعالیت در پروژه ی تیکنر های طرح جامع آب از سال ۱۳۹۰ تا کنون مطالبات مربوط به سختی کار و تغییر وضعیت پرسنل به رسمی و پرداخت برخی اضافه کارها را محقق ننموده و این وعده ها منجر به اعتصاب کارگری سه روزه ی کارگران ذی حق شده است.

این پروژه در مراحل تحویل و تحول بوده و کارفرما قادر به عمل به تعهدات خود نگردیده است.

بر اساس گزارشات دریافتی، قریب به ۷۰ نفر از پرسنل شرکت کانی مس با ترک کار و خواباندن خط، بعد از هفت سال پیگیری مسالمت آمیز، اقدام به رساندن صدای خود به گوش مسولین نمودند تا مطالبات برحق خود را پیجویی نمایند؛ اما با مداخله ی نیروهای امنیتی و بازداشت موقت ۳ نفر، کماکان این مطالبات سرکوب شد.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت کاله



شرکت لبنیات کاله با دارا بودن بیش از ۵۰۰ کارگر و کارمند یکی از بزرگترین شرکت‌های لبنیات خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. این شرکت در هفته اخیر با اخراج ۵۰۰ کارگر خود در بخش لبنیات تعطیلی این بخش را رقم زد.

این اخراج‌ها با بالا رفتن ارز و مواد خام شیر صورت گرفته است. شرکت کاله به علت عدم تامین شیر خام ۸۰٪ کارگران بخش لبنی خود را تا اطلاع ثانوی اخراج کرد.

بخش‌های فنی کارخانه همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.

آیا مردم ایران دیگر به شیر و پنیر و ماست احتیاج ندارند؟؟ و باید اینها را هم از خارج وارد کنیم تا دلالان لانه کرده در دولت جیب‌های خندانی داشته باشند و خانواده‌های کارگری در حسرت لبنیات بمانند؟

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



● اعتراض امروز تعدادی از رانندگان شرکت واحد عضو پروژه سپیدار دو و سه امروز ۲۹ مرداد ماه در مقابل تعاونی مسکن شرکت واحد واقع در چهارراه تیرانداز، تهران پارس

این پروژه ۳۱۴ عضو دارد که طبق قراردادی که در سال ۸۹ با رانندگان و کارگران شرکت واحد بین تعاونی مسکن و کارگران به امضا رسیده از قرار هر متری ۷۰۰ هزار تومان می باشد و طبق قرارداد باید در سال ۹۲ این واحدهای مسکونی تحویل کارگران داده می شد.

متأسفانه با گذشت بیش از ۵ سال تاخیر در تحویل خانه ها و بلا تکلیفی اعضا مسئولین تعاونی مسکن با ابزارهای فشار از سوی مدیریت شرکت واحد و عوامل تعاونی مسکن، کارگران و رانندگان عضو این پروژه را تحت فشار گذاشته اند تا بتوانند با قراردادی جدید از قرار متری دو میلیون و دویست هزار تومان با اعضا قرارداد امضا کنند، این فشارها به کارگران عضو پروژه سپیدار دو و سه برای تحمیل پول بیشتر و عدم پاسخگویی می باشد. حتی برای فشار بیشتر به کارگران از عوامل انتظامی هم بهره می گیرند، بطوری که در مراجعه قبلی اعضا برای رسیدگی در ۱۴ مرداد نیروهای انتظامی و لباس شخصی های حاضر در محل تعاونی اعضای معترض درتعاونی را با رفتارهای ناپسند و بسیار خشن، کتک زده و آقای سعیدی را مجروح کردند و ۵ تن از اعضا را بازداشت کردند.

تعدادی از اعضای این پروژه بیش از ۶۰ درصد از هزینه ساخت را به تعاونی پرداخت کرده اند اما تعاونی حدود ۴۵ درصد بیشتر کار ساخت و ساز انجام نداده است و باز هم درخواست پول دارد در صورتی که تعاونی مسکن هفتاد و پنج میلیارد تومان از محل فروش زمین های شرکت واحد پول در اختیار داشته تا کارگران و رانندگان شرکت واحد از این اعتبار برای خانه دار شدن بهره ببرند اما در شرکت واحد شش هزار راننده و کارگر هیچ بهره ای از این منابع نبرده اند.

تکذیب شایعه دیدار رضا شهابی با وزیر کار

چندی است که شایعاتی در فضای مجازی مبنی بر (دیدار رضا شهابی با وزیر کار) منتشر شده است. آنچه بسیار مشخص است این است که افراد و جریاناتی که قصد تخریب فعالان پیشرو در سندیکای کارگران شرکت واحد را دارند هر کدام به نحوی به این شایعه دامن زده اند. برای آگاهان معلوم است که از نشر این گونه شایعات به گونه ای فریبکارانه و به قصد ایجاد تشکیک نسبت به فعالیت های حق طلبانه سندیکا و آنهم در برهه ای که توطئه ی " پروژه سندیکای سازی دولتی در جریان می باشد" قرار است، کدام افراد و جریانات بهره برداری کنند.

اینجانب صراحتاً اعلام می کنم تاکنون با هیچ یک از وزرای کار دیداری نداشته ام و تاکید می کنم مشخصاً در دوران گذراندن زندان و نیز پیش و پس از سفر به ژنو برای دیدار با مسئولان سازمان جهانی کار و نیز در خلال نشست ها و دیدار و گفتگوها با اتحادیه های کارگری در اروپا، و هیچ وقت دیگری، هیچ دیداری با وزیر وقت، علی ربیعی (یا سرپرست یا وزرای پیشین این وزارتخانه) انجام نداده ام. بدیهی است همکارانم در سندیکای کارگران شرکت واحد، حق خود می دانند که در راستای دفاع از حقوق و مطالبات کارگری نامه های اعتراضی به مقامات مربوطه اعم از شورای حل اختلاف، هیات تشخیص، ادارات کار شهرستان و استان، وزارت کار و نیز نهادهای جهانی ارسال کنند؛ و در این راستا نامه هایی خطاب به وزیر و دیگر مسئولان وزارت کار در رابطه با بازگشت بکار کارگران اخراجی، افزایش دستمزد کارگران، اعتراض به تحمیل شورای اسلامی کار بر کارگران شرکت واحد و.... در دبیر خانه آن وزارت خانه ثبت شده است.

عملکرد سندیکای کارگران شرکت واحد در استقلال از دولت و کارفرما و دفاع از مطالبات کارگران شفاف ترین و دقیق ترین پاسخ به شایعه سازان و آشکار کننده ی اهدافشان از تخریب علیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران می باشد. در پایان از عزیزانی که همیشه حامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و اینجانب رضا شهابی بوده اند؛ تشکر می کنم.

رضا شهابی

عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

یکم شهریور ماه ۱۳۹۷

مزایای بدی آب و هوا برای بخشی از کارگران سامانه یک بی آر تی کمتر از میزان مقرر قانونی پرداخت می گردد

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با در نظر قرار دادن مناطق اشتغال شان در سطح شهر و میزان آلودگی آن منطقه، درصدی متغییر تحت عنوان (بدی آب و هوا) به حقوق شان افزوده می گردد. مزایای بدی آب و هوا برای کارگران سامانه پنج بی آر تی سابق که توقفگاه و تعمیرگاه آن در منطقه میدان شیر پاستوریزه واقع بوده ۱۲۰۵ درصد بوده است و برای کارگران سامانه یک بی آر تی ۱۰ درصد می باشد.

با ادغام سامانه پنج بی آر تی در سامانه ده بی آر تی توقفگاه و تعمیرگاه این سامانه که در منطقه شیر پاستوریزه واقع است به سامانه یک بی آر تی واگذار شد و کارگران سامانه یک در این توقفگاه و تعمیرگاه شاغل شدند. و می بایست با توجه به منطقه جدید اشتغال شان و میزان آلودگی بیشتر هوا ۱۲٫۵ درصد مزایای بدی آب و هوا به آنان پرداخت گردد. اما مدیریت ناکارآمد شرکت واحد بدون توجه به تغییر جغرافیای اشتغال این کارگران همچنین افزایش میزان آلودگی هوا در این منطقه همچنان به این کارگران ۱۰ درصد مزایای بدی آب و هوا پرداخت می کند و از این افتضاح تر اینکه کارگرانی که پیش از این زیر مجموعه سامانه پنج بی آر تی بودند و پس از ادغام این سامانه در سامانه ده بی آر تی همچنان در همان محل کار قبلی و زیر مجموعه سامانه یک بی آر تی شدند فقط به دلیل اینکه زیر مجموعه سامانه یک بی آر تی شدند ۲٫۵ درصد از مزایای بدی آب و هوای این کارگران کسر و در حال حاضر ۱۰ درصد مزایای بدی آب و هوا دریافت می کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نسبت به کسر مزایای مختلف کلیه کارگران شرکت واحد از یکسال گذشته هشدار می دهد و عواقب دست اندازی به حقوق و مزایای مکتسبه کارگران را متوجه مدیریت می داند. قطعاً کارگران در برابر دست اندازی های مدیریت به حقوق و مزایای شان سکوت نخواهند کرد. و سندیکا هماهنگی های لازم برای اعتراضات کارگران را دستور کار خود دارد.

کودک آزاری یا ورزش؟

در برنامه کوه دشت این هفته ۵ مرداد که از تلویزیون پخش شد دو کودک ۸ ساله مشهدی به نام ستایش و نیایش آقایی به این برنامه به همراه پدرشان دعوت شده بودند. این دو کودک به اصطلاح کوهنورد در حالی به برنامه آمده بودند که از صعود به دومین قله بلند ایران، علم کوه تصاویرشان پخش می شد و اعلام کردند برای سال آینده به قله دماوند خواهند رفت. در همان برنامه تصویر دختر ۵ ساله پاکستانی که برای رفتن به اورست برنامه ریزی کرده بود هم به نمایش درآمد. نمایش درآمدن تصاویر در آن برنامه، به بینندگان چه را می خواست القا کند را خوانندگان خود بهتر می دانند. همه کوهنوردان می دانند که کوه تنها ورزشی است که در آن کسی نمی بازد و مسابقه ای هم وجود ندارد.

در همان برنامه هم پزشکی بسیار محترمانه به پدر این دو کودک گفت که سن کوهنوردی آن هم نه بصورت حرفه ای بلکه بصورت تفریحی از ۱۲ سالگی به بعد است، بویژه در ورزش حرفه ای کوهنوردی در ارتفاعی کمتر از ۳۰۰۰ متر به جز بدنی آماده، موضوع کمبود هوا و داشتن شش هایی آماده، کفش مناسب کوه، عینک، کوله مناسب، از موارد مهم کوهنوردی بصورت حرفه ای است.

این کودکان بدون داشتن کفش مناسب، که وجود ندارد، به علم کوه رفته اند و بی تردید به پاهایشان صدمه زده اند و همچنین در بدنی که در حال رشد است کوله هم حمل کرده اند و هر هفته هم برای آمادگی جهت صعود باید حمل کنند. پرسش این است آیا این ورزش سنگین مناسب این سن کودکان است؟ آیا پاهایی که کفش مناسب ندارند و بی تردید طی سالها صدمات بیشتری خواهند دید و کودک نمی داند با نداشتن کفش مناسب چه بر سر پاهای خود می آورد، زجر دادن این کودکان نیست؟ آیا این بدن ها که هنوز آماده برداشتن کوله نیستند در مسافت های سنگین به کمر و جسم و در نهایت به رشد این کودکان صدمه نمی زند؟ و زجری را که این کودکان در سنین میانسالی و پیری خواهند دید را چه کسی پاسخگو خواهد بود؟؟

صعود به قله های بالای ۳۰۰۰ متری چه بر سر عروق و قلب این کودکان خواهد آورد؟ که باید پزشکان معلوم کنند. ولی نکته اینجاست چه کسی و یا چه نهادی باید این کودکان را از وارد کردن صدمه به خود باز دارد؟؟ پدر؟؟؟؟ سازمان حمایت از کودکان؟؟ انجمن های کوهنوردی؟؟ انجمن های مستقل از دولت حامی از کودکان؟؟؟

امید که این مطلب بتواند این کودک آزاری را نقطه پایان بگذارد و انجمن های مربوطه را حساس کند.
هیات تحریریه پیام سندیکا

صندوق آینده ساز به کدامین سو می رود؟؟



از سال ۱۳۵۴/۱۱/۲۶ و در رویکردی سرمایه سالارانه صندوق بازنگشتگی آینده ساز بصورت خصوصی شکل گرفت. این صندوق در دهه هفتاد برای جایگزینی سازمان تامین اجتماعی و خصوصی شدن بهداشت از سوی وزارت گسترش و نوسازی صنایع دوباره فعال شد و کارخانه هایی چون ماشین سازی و تراکتورسازی تبریز و مگاموتور و ایران خودرو... را به جای سازمان تامین اجتماعی پوشش داد و کارگران و مدیران میانی را به جای صندوق تامین اجتماعی به صندوق آینده ساز منتقل نمود.

در حال حاضر ۱۵ هزار بازنگشته در این صندوق عضو هستند و با مشکلات عدیده ای از جمله پرداخت مستمری، موضوع بازنگشتگی سخت و زیان آور روبرو هستند. شورش خاتانه تلاش کارگران برای استفاده از امتیاز سخت و زیان آور بودن مشاغلشان و بازنگشتگی با ۲۰ سال تاکنون ناموفق بوده و صندوق آینده ساز زیر بار این موضوع قانونی نمی رود و این ضایع شدن حق کارگران است که کارگران عضو می توانند شاهدان خوبی برای این موضوع باشند.

از سوی دیگر سالهاست بازنگشتگان این صندوق تلاش می کنند به تامین اجتماعی منتقل شوند که تامین اجتماعی برای این انتقال تمامی سالهای خدمت را بصورت پولی محاسبه کرده و مبلغ کلانی از کارگران می خواهد و خود صندوق آینده ساز هم زیر بار این انتقال نمی رود. همچنین در یک چرخش عجیب به اعضای صندوق اعلام شده است که: «برای پرهیز از بازنگشتگی زودرس، در جلسه مورخ ۲۷ آذر ۱۳۹۶ هیات امناء صندوق مطرح و مصوب گردید:» از آنجائیکه بررسی های صورت گرفته در کشور و نیز در سطح جهان بر این موضوع تایید می کند که تداوم بازنگشتگی زودرس به شدت زمینه ورشکستگی صندوق های بازنگشتگی را فراهم می آورد، لذا به منظور اجرای مصوبه شورای عالی ۲۸ تیر ماه سال جاری صندوق، شرایط احراز بازنگشتگی زودرس از حداقل ۲۵ سال به حداقل ۳۰ سال افزایش یابد.»

در حال حاضر هیات مدیره این صندوق مدعی ورشکسته شدن این صندوق هستند و بازنشستگان این دروغ را بدون پشتوانه دانسته و می دانند که قسمتی از وجوه صندوق از طریق شرکت بازرگانی و سرمایه گذاری آینده کیش «بساک» در جزیره کیش در امر ساخت و ساز در گردش است. خبرهای موثق از درون صندوق حکایت از ندادن حقوق بازنشستگان در ماههای آینده است و باید در انتظار به خیابان آمدن این بازنشستگان نیز باشیم. با توجه به اینکه این آشی است که وزارت صنایع و مدیرانش پخته اند و باید جوابگو باشند اما آنچه در کشور ما هیچگاه اتفاق نخواهد افتاد پاسخگو بودن مدیران در مورد عملکردشان است.

● چه حوادثی «حوادث ناشی از کار» محسوب می شوند؟

❖ حوادث ناشی از کار، حوادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد. مقصود از حین انجام وظیفه، تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه، عهده دار انجام مأموریتی باشد.

اوقات مراجعه به درمانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می گردد، مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد.

حوادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می افتد حادثه ناشی از کار محسوب می شود.

❖ ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی.



ناصر آقاجری: مردم ایران حق خود را از هیچ نظامی گدایی نکرده و نمی‌کنند قبل از اینکه گرسنگی عواقب خود را نشان دهد، به اصول بازگردید

سخنگوی اتحادیه نیروی کار پروژه‌های ایران با انتقاد از کاهش قدرت خرید کارگران و طبقات فرودست گفت: حقی که مردم با انقلاب ۵۷ به دست آوردند، به تدریج در دهه‌های بعد از آنها سلب شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کاهش قدرت خرید کارگران و مزدبگیران، مهم‌ترین دغدغه‌ی فعالان کارگری در این روزهاست؛ مزدی که در ماهیت خود بسیار کمتر از خط فقر رسمی است، با فشارهای فضای کلان اقتصاد هر روز بیشتر از روز قبل، کاهش ارزش را تجربه کرد.

ناصر آقاجری (سخنگوی اتحادیه نیروی کار پروژه‌های ایران) ضمن هشدار به مسئولان در این باره که کاهش قدرت خرید دستمزد، عواقب جدی به دنبال خواهد داشت، افزود: نه تنها فعالان کارگری بلکه اقتصاددانان نیز به این واقعیت مسلم اذعان کرده‌اند که اگر جلوی رشد قیمت‌ها گرفته نشود، سرنوشت مردم به قهقرا خواهد رفت. حسین راغفر (اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر

و عدالت اقتصادی) نیز همین را گفته است که "هزینه زندگی به شدت افزایش پیدا کرده است و قطعا پیامدهای خیلی جدی برای مردم و رفاه عمومی خواهد داشت و این امر کاملا مسلم است." او گرچه راهکاری برای این وضعیت ارائه نکرده اما به این حقیقت مسلم اعتراف کرده است.

آقاجری تاکید کرد: مردم حق رفاه را با انقلاب ۲۲ بهمن در سال ۵۷ با قدرت تمام به دست آوردند و حاکمیت نیز آن را با ماده ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی تایید کرد ولی نرم نرمک آن قوانین را زیر پا گذاشتند. مردم ایران رفاه عمومی را از هیچ نظامی گدایی نکرده و نمی‌کنند بلکه آن را از دست داده‌اند. این مردم حق قانونی را که با یک انقلاب خونین از یک نظام ستم پیشه به دست آورده بود، به تدریج از دست داد؛ حال نیز این حق را گدایی نمی‌کند بلکه آن را از مسئولان و کاربدستان، «مطالبه» می‌کند. کارگران و مردم چه چیز را «مطالبه» می‌کنند.

خواسته اصلی چیست؛ آقاجری به عنوان یک کارگر و به عنوان کسی که درد کارگران بدون امنیت شغلی علی‌الخصوص پیمانکاری‌ها را از نزدیک لمس کرده، مطالبه‌گری را در چهارچوب قانون اساسی معنادار می‌داند و می‌گوید: راهکاری که غالباً مغفول می‌ماند و در تئوری‌های بدون پشتوانه‌ی عملی نظریه‌پردازان صرف، از آن هیچ سخنی نمی‌رود، همان بازگشت به قوانین مادر است؛ اصول ۴۴، ۴۵، ۲۹، ۳۰ و دیگر اصول مرتبط با حقوق مردم در قانون اساسی و البته اصول قانون کار؛ در این برهه زمانی اگر ماده ۴۱ قانون کار به صورت «واقعی» اجرا نشود، عده‌ی زیادی از مزدبگیران دچار گرسنگی و قحطی می‌شوند؛ زندگی مردم دارد به قهقرا می‌رود؛ یک بار برای همیشه به سرمایه‌داری مالی و رانتی پایان دهند و قانون را در حق مردم اجرا کنند. تامین مسکن، تامین شغل شایسته، تامین رفاه اجتماعی و فراهم آوردن امکانات آموزشی براساس قانون اساسی، وظیفه دولت است؛ اگر دولت‌ها در دهه‌های گذشته از این وظایف حاکمیتی به بهانه‌های گوناگون طفره رفته‌اند، اکنون دیگر زمان از سر خود بازکردن نیست؛ قبل از اینکه دیر شود و گرسنگی عواقب اجتماعی ناگزیر خود را به همراه بیاورد، باید به این اصول بازگشت و حق مردم را استیفا نمود.



در سالهای ابتدایی تاسیس نیشکر هفت تپه یکی از با اعتبارترین شغلها در استان خوزستان و شاید کشور بعد از شرکت نفت و ذوب آهن اصفهان استخدام در این شرکت بود که تا سال ۸۵ نیز این وضعیت استمرار داشت. با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و تغییر سیاستها و طرح خودگردانی شرکتهای دولتی ردیف بودجه شرکت نیز توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی حذف و واردات بی رویه شکر با تعرفه ۴ درصد کمر این شرکت را شکست. بعد از سال ۸۴ و ۸۵ با کاهش تولید و ضعف مدیریت بدلیل گماردن مدیران غیرتخصصی در این شرکت عملن وارد بحران مالی و در نتیجه کارگری شد و تاکنون (سال ۹۷) هنوز با کاهش محسوس تولید مواجه بوده و امسال نیز بدلیل کم آبی بحران همچنان ادامه خواهد داشت. یکی دیگر از مشکلات حال حاضر این شرکت ریزش شدید پرسنل با تجربه و متخصصان این شرکت است که با اجرایی طرح زیان اور بازنشسته شدند. از جمله عوامل دیگر در کاهش محصول میتوان به فرسودگی کارخانه و عدم برنامه ریزی مناسب جهت خروج از بحران اشاره کرد. البته کارفرمایان خصوصی این شرکت که از بهمن سال ۹۴ شرکت را خریداری نمودند در نظر دارند با تاسیس صنایع

جانبی و تبدیلی مانند کارخانه زغال، الکل سازی، کارخانه چغندر، تاسیس تاکستان، شرکت را در کوتاه مدت به سوددهی رسانده و شرایط موجود شرکت را حفظ کنند. خریداران جدید البته میراث دار اکثر مشکلات موجود بوده که در کوتاه مدت حل نخواهند شد و نیاز به برنامه ریزی و تغییر ساختار و سرمایه گذاری بیشتر دارد. شرایط واگذاری شرکت با بدهیهای سنگین مانند بیمه، مالیات، برق، آب، گاز، طلب پیمانکاران، پرداخت سنوات و ۴ درصد پرسنلی که بازنشسته می شدند، باعث شد، جمع کردن شرکت از نظر مدیریتی، مالی و امنیتی مشکل باشد و این موارد باعث شد دولت این شرکت مادر را به بخش خصوصی واگذار کند. از نظر نیروی انسانی بیش از ۲ هزار نفر از زمان واگذاری شرکت به بخش خصوصی با پرداخت سهم ۴ درصد کارفرما به تامین اجتماعی بازنشسته شدند. این پرداختها و تعهدات معوق گذشته باعث شده که شرکت با تاخیر اقدام به پرداخت حقوق کرده و باعث نارضایتی پرسنل شاغل شود. کارگران نیز در نتیجه بدلیل مشکل مالی ذکر شده نمی توانند به تعهدات خود در قبال بانکها، هزینه های خوراکی و روزمره و تعهدات مالی به موقع عمل کنند که موجب شده برخی بانکها از دادن وام به کارگران این شرکت و ضمانت کردن آنها اجتناب کرده و مغازه داران نیز از دادن جنس قرضی با توجه به شرایط اسفناک اقتصادی کشور و بخصوص کارگران خودداری نمایند و این برای کارگران زجرآور است. اگر دولت در آینده نزدیک تدابیری برای وضعیت موجود جامعه کارگری با بسته های حمایتی و افزایش مجدد حقوق نیاندیشد بی تردید نارضایتی و بحران اقتصادی و امنیتی توسط کارگرانی خواهد شده که یا شاهد سفره های خالی بوده و یا از طرفی بدلیل تحریمها و کاهش تولید و کمبود مواد اولیه بنگاههای اقتصادی از کار اخراج شوند، خواهیم بود.

فریدون نیکوفرد دبیر سندیکای نیشکر هفت تپه

پیام های کارگران نیشکر هفت تپه به نقل از کانال تلگرامی رضا رخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

□○سلام رضاجان، امروز عصر کار بودم و سرآبیاری بودم و از سرکار آمدم خانم گفت امروز ۵ شنبه هستش مرغی بخر برا شام. بخدا به دروغ از سر شرمندگی وبی پولی رفتم دوری زدم آمدم گفتم مغازه مرغ فروشی بسته هستش . بعد نیم ساعت گفت شیر برا بچه نداریم شیر بخر. بقران رفتم التماس مغازه دار کردم بهم نداد. خجالت کشیدم به زخم بگم پول ندارم. گفتم شیر نداره مغازه. و بخدا آب قند گذاشت داخل شیشه و به بچه ۴ ماه داد بخدا قسم. تا الان هر جا رو زدم نتونستم ۲۵ تومان پول شیر بگیرم و رفتم از همسایه ۲ شیشه قرض گرفتم که شب گرسنه خوابه موندم چکار کنم بخدا. ما گرسنگی بدبختی تحمل میکنیم اما بچه ۴ ماهه چه میفهمه. آقای اسدیگی به داد ما برس. بخدا زندگیمون بریاد رفت. بابا شما آدمی، درک کن بی پول و بدبختی مارو. بخدا حرفای که زدم امروز برام اتفاق افتاد. بخدا. لطفن به گوش آقای مدیر عامل برسونید. بخدا امروز گریه کردم بخاطر شرمندگی زن بچه ام.

□○سلام رضا به اون برادر که گفت پول شیر خشک ندارم برا بچه ام بگو تو خصوصی شماره کارتشو برات بفرسته، تو هم برام بفرست پول براش واریز کنم برا شیر خشک بچه اش. برادر.....بازنشسته

رضا رخشان: برادر عزیز قبل شما دوستانی دیگر درخواست کمک داده بودند من به این برادر عزیز گفتم ولی ایشان قبول نکردند. درود بر شرف و انسانیت شما.

□○سلام درمورد دوستمون که پول شیر نداره، دوست عزیز من رسمی هستم و مشکل شما رو ندارم ولی خدا شاهد درکت میکنم و پیامت اشکمو در آورد، خداوند ایشالا مشکل شما و تک تک بندگان را برطرف کنه  آمین

□○ سلام اقا رضا به دستمون که برای بچش میخاد شیر بخره پول نداره بگو بطورقرضی بهش پول میدیم اون بچه گناه داره بخدا

□○ سلام من این بنده ی خدا رو درک میکنم بچه شیر خار داشتم با بدبختی با این اوضاع سخت و دشوار هفت تپه بزرگش کردم(☹️)(☹️)

□○ سلام رضا جان

پیام تاسف باری برای شرکت بود، اگه زحمتی نیس..میشه شماره کارت از این بنده خدا بگیرید..بهش بگی به صورت قرض میدم سر حقوق پس بدن. بخاطر بچه. بخاطر چیز دیگه...خواهش میکنم

□○ با سلام و شب بخیر خدمت دوستان عزیز. این اتحاد و همدلی و همدردی شما همشهریان و دوستان عزیز رو با هیچ چیز نمیشه مقایسه کرد. بی نهایت ارزشمند و انسانی هست کار شما بزرگواران. خداوند به همه شما و خانواده هاتون تندرستی و فروانی نعمت بده...خداوند میفرماید آنچه را که داری ببخش، تا آنچه را که نداری به تو ببخشم.. ماشالله به قلبهای پاکتون. لذت بردم. خدایا شکرت بخاطر این خونگرمی های بچه های خوزستان...خداوند شما و بچه ی کوچیکت رو حفظ کنه. داداش منم بچه ام پنج ماهش هست فعلمن بیکارم. اما بچه ام شیر نان یک بهش میدم و یکی اضافه داره اگه قبول میکنی آدرس بده بیارم برات. خودم ساکن منازل شرکت قند هستم. بگو کجا خدمت برسم.

تمامی این گفتگو ها از کانال تلگرامی رضا رخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نقل شده است.

اعتصاب برای گرفتن ۷ ماه مزد

پروژه بزرگ «ایران مال» (بازار بزرگ ایران) واقع در نزدیکی چیتگر (بر اتوبان همت)، با زیربنایی بیش از یک میلیون و ششصد متر مربع و سرمایه گذاری بالغ بر ۶۰ هزار میلیارد (تاکنون)، در جهت رقابت با «مال» های خاورمیانه به عنوان بزرگترین «مال» شکل گرفته است. این پروژه عظیم به نام «علی انصاری» سرمایه دار اصلی «بانک آینده» کار می کند و همان پروژه ای است که چندی پیش در پی دپوی ۲۵۰۰ ماشین «اپتیما» و بسیاری درگیری های درونی بر سر مالکیت آن و ... توجه بسیاری را به خود جلب نمود. سرمایه داران «ایران مال» در این پروژه عظیم تجاری بیش از ۵۰۰۰ نفر نیروی کار را به خدمت گرفته اند و این در حالی است که کارگران و سایر کارکنان را مدت های طولانی ۴ تا ۷ ماه از دریافت مزد و مزایای شغلی محروم ساخته اند. علیرغم اعتراضات و تجمعات مکرر کارگران نسبت به عدم پرداخت حقوق های معوقه و شرایط غیر قابل تحمل زندگی خود، مدیریت و مسئولان نه گوش شنوایی دارند و نه ذره ای توجه به ابتدایی ترین حقوق آنان می کنند. این وضعیت غیر انسانی در حالی به کارگران تحمیل می گردد که «ایران مال» با صرف هزینه بسیار بالا تبلیغات وسیعی را جهت برپایی نمایشگاه در اوایل شهریور ماه جاری به راه انداخته است! کارگران و کارکنان که دیگر حتی در تأمین هزینه اولیه خورد و خوراک خود عاجز مانده اند و به دلیل نپرداختن اجاره سرپناهمشان زیر فشار مالکان و تهدید به تخلیه محل سکونت خود، پرس گردیده اند، اعتصاب و خواباندن کار را تنها راه پیش روی خود قرار داده و تصمیم گرفته اند از هفته آینده دست از کار بکشند.

کارگران و کارکنان مزدبگیر پروژه ایران مال

مرداد ماه ۹۷

در سنگرود زمان ایستاده هیچ ردی از پنج هزار کارگرمعدن باقی نمانده است



ILNA

Photo: Received

این گزارش، مروری ست بر آنچه در البرز غربی رخ داد؛ از زلزله و آوار آغاز و به تعطیلی ختم شد. معدنی که روزی روزگاری، پنج هزار کارگر داشت، حالا فقط دالان‌های سوت و کور زیرزمینی‌ست.

چنانچه موضوع تعطیلی معدن زغال سنگ به حقیقت بپیوندد بالغ بر ۳۲۰ کارگر بیکار خواهند شد و براین اساس اگر میانگین افراد خانواده هر کدام از این کارگران را چهار نفر در نظر بگیریم مشکلات معیشتی گریبان‌گیر نزدیک به یک‌هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی این بخش خواهد شد. تنها امید به جلسه آتی مجمع فوق‌العاده هیات واگذاری به بخش خصوصی» است که قرار است روز شنبه (۲۶ مهر ماه) برگزار شود.

معادن سنگرود به بهانه اقتصادی نبودن تعطیل شد؛ مردان سیه‌چرده‌ی معدنکار آواره شدند و سکوت سنگرود را فراگرفت. همان حرف‌هایی که اوایل مهر ماه ۱۳۹۳، «مرتضی نیک‌پور» رئیس شورای اسلامی کار معدن سنگرود درباره عواقب تعطیلی این معدن خطاب به تمام مسئولان وقت گفت؛ اما افسوس که جدی گرفته نشد و این شد که حالا احساس می‌کنی در سنگرود در منطقه فاراب عمارلو، زمان به راستی ایستاده است؛ عقربه‌ها از جایشان جُم نمی‌خورند..... محلی‌ها از آن روزهای رونق خاطرات خوبی دارند:

«معادن البرز غربی که کار می‌کرد و تَن تَن بار ذغال‌سنگ که بیرون می‌آمد؛ زندگی مردم هم روی غلتک خوشبختی افتاده بود و به خوبی پیش می‌رفت».

نان حلال از گلوی مردم سنگرود و روستای اطراف، مردم جیرنده و فاراب رودبار پایین نرفت یعنی نگذاشتند که پایین برود؛ آواره کردند این مردم را؛ کوچاندنشان؛ آموزش و پرورش مدرسه‌هایش را جمع کرد؛ مسجد المهدی در معدن سنگرود، درها را بست و نان حلال «سنگرود» آجر شد .

پای درد دل محلی‌ها می‌نشینم؛ آنها که آن روزهای خوب را خوب به خاطر دارند: «باورتان می‌شود دهه شصت نزدیک به پنج هزار نفر در همین معدن سنگرود کار می‌کردند؟ آنقدر وسیع بود این معدن که چندین سرویس حمل و نقل داشت؛ کارگران را از شهرها و روستاهای اطراف می‌آوردند اینجا؛ در دهه شصت، سنگرود یکی از قطب‌های معدنی ایران بود؛ مایه افتخار منطقه بود؛ مجموعه‌ی معدن، باشگاه ورزشی داشت؛ سینما داشت؛ تئاتر داشت.....»

یکی از فعال‌ترین واحدهای معدنی کشور با مدیریت دولتی یکپارچه و کارگرانی که از شرایط شغلی‌شان راضی‌اند، تصویری کلی از فضای آن روزهاست؛ تصویری که چندان دیر نمی‌پاید؛ از آخرین سال دهه شصت، باران مصیبت فروبارید؛ دهه هفتاد، اوج بد بیاری‌ها بود.

معادن سنگرود در زلزله ۳۱ خرداد سال ۶۹ طعم تلخ خرابی‌ها را چشید؛ آوار بر سر کارگران و خانواده‌هایشان فرو ریخت؛ اما این پایان کار مصیبت نبود؛ شش سال بعد حادثه تلخ انفجار معدن از راه رسید؛ در این حادثه ۲۰ نفر از کارگرانی که برای کسب یک لقمه نان حلال به دل معدن رفته بودند، جان خود را از دست دادند و عده بسیاری نیز دچار جراحات سنگین شدند. در این حادثه فرزندان بسیاری به سوگ پدرهایشان نشستند و بر در و دیوار بسیاری از خانه‌های منطقه، پارچه‌های سیاه آویزان شد. اما اینها همه پیش درآمد بود؛ مصیبت واقعی آهسته آهسته از راه رسید؛ واگذاری به بخش خصوصی؛ دست به دست چرخیدن؛ هجوم پیمانکاران و شرکت‌های تامین نیرو یا همان دلالان انسان و در نهایت انحلال و تعطیلی؛ شرکتی که روزگار ۵۰۰۰ کارگر داشت، در اواخر کار در سال ۹۳، بیش از سیصد نفر در آن شاغل نبودند.

معادن سنگرود در دولت خاتمی به بخش خصوصی واگذار شد که در واگذاری این واحد به بخش خصوصی دقت کافی صورت نگرفت. در نهایت معدن به شرکتی واگذار شد که توانایی مالی نداشت و از بدو واگذاری با رکود مواجه و از همین نقطه سرایش مشکلات آغاز شد تا در نهایت در مهر ماه ۹۳، حکم نهایی صادر شد: معدن سنگرود صرفه اقتصادی ندارد و باید تعطیل شود. کارگران دوندگی بسیار کردند؛ چه پیش از تعطیلی و چه بعد از آن؛ بارها تجمع اعتراضی برگزار کردند؛ بارها با لباس کار و دستان سیاه اندود به تهران آمدند و حق خود را طلب کردند، بارها و بارها نامه‌نگاری کردند؛ دست به دامن مسئولان شدند و اما هرگز به هیچ جا نرسیدند؛ در نهایت برخی بازنشسته شدند، برخی کوچ کردند و برخی نیز بیکار ماندند.

بعد سال‌ها باز هم به سراغ «مرتضی نیک‌پور» می‌روم؛ رئیس شورای اسلامی کارگران معدن سنگرود که سالها پیش از این، هشدار داده بود معیشت این جمعیت عظیم مردم را به خطر نیندازید. او که خودش همراه بخشی از کارگران بیکار شده سنگرود به معدن ذغال‌سنگ طبس منتقل شده، در ارتباط

با سرنوشت کارگران سنگرود می‌گوید: حدود ۱۷۰ نفر از کارگران سنگرود با بیمه بیکاری بازنشست شدند؛ ۱۰۹ نفر هم به واحدهای دیگر منتقل شدند؛ ۵۰ نفر طبس رفتند؛ ۲۶ به اصفهان و ۴۰ نفر هم به مازندران منتقل شدند. همه پراکنده و آواره شدند. معدن سنگرود قطب صنعتی منطقه رودبار بود؛ کل شهرستان و پنج منطقه‌ی آن، عمارلو، فاراب، نوده و خورگام، رحمت آباد و رستم‌آباد را پوشش می‌داد. از همه این مناطق در سنگرود کارگر داشتیم. معدن سنگرود که تعطیل شد، انگار رودبار تعطیل شد. از سال ۹۳ مهاجرت‌ها شروع شد؛ مردم از منطقه رفتند... نمی‌دانیم کی با کی معامله کرد که بدبختی‌اش نصیب کارگران شد؛ نماینده وقت مجلس پی کار را گرفت و در مجلس ثابت کرد که توجیه اقتصادی ندارد! در نهایت با هم زدند و بستند و معدن را از پا انداختند. گفتند کیفیت ذغال‌سنگش خوب نیست و توجیه اقتصادی ندارد و تعطیلش کردند. من همان زمان به عنوان نماینده کارگران کلی پیگیری کردم؛ حتی پیش وزیر صنعت و معدن وقت رفتم؛ از همه آنها پرسیدم که چرا می‌خواهید این واحد قدیمی را تعطیل کنید؛ به همه‌ی آنها هشدار دادم که این کار را نکنید اما دریغ از یک پاسخ روشن

نیکپور به گذشته‌های روشن نقب می‌زند: دهه شصت، معدن سنگرود ۴۸۰۰ کارگر داشت؛ ۸۵ تا اتوبوس کارگران را به خانه‌هایشان می‌برد؛ الان خودم در معدن طبس کار می‌کنم؛ همه مدیران ارشد اینجا زمانی در سنگرود کار کرده‌اند و تجربه اندوخته‌اند. اما آن روزهای خوب خیلی زود سپری شد؛ حتی اگر حوادث غیرمترقبه (زلزله و آوار و سیل) را کنار بگذاریم؛ باز هم این معدن افت می‌کرد؛ سیاست‌های غلط، این معدن را خورد کرد، کوچک کرد و داد دست پیمانکار.....

او ادامه می‌دهد: معدن سنگرود که تعطیل شد، زندگی خوابید. آموزش و پرورش هم مدارسش را از منطقه سنگرود و دور و بر جمع کرد؛ این را باید

در کتاب رکوردهای گینس بنویسند: تنها مسجدی که در مملکت ما تعطیل شد، مسجد المهدی معدن سنگرود است؛ فقط در همین سه، چهار سال اخیر، حدود ۲۸۰ خانواده از منطقه جیرنده و عمارلو کوچ کردند....

اینکه چرا تصمیم گرفتند معدن را تعطیل کنند، سوالی است که باید مسئولان وقت پاسخگوی آن باشند؛ در برابر مردم عمارلو، فاراب، جیرنده و سنگرود بایستند و به آن پاسخ بدهند. باید بگویند چگونه صرفه‌ی اقتصادی را محاسبه کردند که به این نتیجه رسیدند معدن سنگرود به‌صرفه نیست؟! به‌صرفه برای چه کسی؟ برای مردمی که از همین معدن «نان» می‌خورند یا برای پیمانکاران و آنها که نتوانسته بودند در زد و بندها «سهم قابل ملاحظه‌ای» به دست بیاورند؟!!

لطفی (بخشدار فعلی منطقه عمارلو) نیز معتقد است؛ به‌صرفه نبودن فقط یک «ترفند» بود؛ گفتند رگه‌های ذغال سنگ آن خوب و باکیفیت نیست؛ اینها همه ترفند بود. می‌خواستند این معدن قدیمی را تعطیل کنند که کردند.

او در ادامه به امکان احیای این واحد معدنی که این روزها قوت گرفته، می‌پردازد: به دنبال این هستیم که هرچور شده دوباره این واحد معدنی را احیا کنیم؛ با راه‌اندازی مجدد این معدن، زندگی مردم محلی دوباره سامان می‌گیرد؛ در حال حاضر سرمایه‌گذار و پیمانکار هم پیدا شده؛ انگار روی مبلغ کارشناسی برای واگذاری به مشکل برخوردده‌اند.

وی معتقد است که قیمت‌هایی که سازمان صنعت و معدن اعلام می‌کند بالاست و از آنجا که تجهیزات و نیروهای معدن به جاهای دیگر منتقل شده، چندان برای خریدار به‌صرفه نیست. او ادامه می‌دهد: با این وجود، قیمت پایین برای واگذاری نیز صحیح نیست؛ چون معدن، منابع ملی است و نباید با «رانت» واگذار شود.

و عده‌ی راه‌اندازی کی قرار است جامه‌ی عمل بپوشد؛ لطفی در پاسخ می‌گوید: تا حالا حرف زیاد زده‌اند، یک بار گفتند بعد از عید راه می‌اندازیم؛ بعد آمدند گفتند تا پایان ماه رمضان؛ تا حالا که هیچ اتفاقی نیفتاده؛ فقط وعده و وعید...! می‌گویند نامه‌ی واگذاری پیش رئیس صنعت، معدن و تجارت استان است، اما چه زمانی این کار واقعاً انجام می‌شود، الله اعلم!

بخشدار عمارلو اما امیدوار است؛ امیدوار به آینده‌ای که با نام معدن سنگرود گره خورده: امیدواریم این پروژه به انجام برسد؛ امیدواریم چراغ معدن باز هم روشن شود؛ خیلی رویاپردازی نمی‌کنم؛ نمی‌گویم معدن به دوران اوج و ۵۰۰۰ نفر کارگری آن زمان‌ها برگردد؛ حداقل در فاز اول با ۳۰۰-۴۰۰ کارگر شروع به کار کند؛ همین هم خیلی عالی‌ست.

او در پایان می‌گوید: این روزها ذغال‌سنگ بازار خوبی دارد؛ فروش ذغال به‌صرفه است؛ خوب فروش می‌رود؛ دلیلی ندارد که نخواهند اشتباهات را جبران کنند و این معدن را راه بیاندازند....

این امیدواری‌ها را کنار بگذاریم؛ اینها بماند برای بعد....

فکرش را بکنید که در این سال‌ها چه بر سر سنگرود آمد؟ مردهایی که از خانه رفتند؛ خانه‌هایی که چراغ‌هایشان خاموش شد و چراغ‌هایی که کنج پستوها خاک خوردند؛ هنوز هم که روی بلندی، روی ستیغ‌های البرز غربی می‌ایستی، روستاها زیرپایت هستند؛ اما خوابیده، به اغما فرورفته؛ نالان و محتضر؛ انگار گرد مرگ همه جا پاشیده‌اند؛ سنگرود دیگر آن سنگرود سابق نیست؛ همه جا خاموش است؛ همه چیز در جای خود میخکوب شده‌است....

گزارش: نسرين هزاره مقدم

جنگ بالای سر کشورمان آیا به پرواز در خواهد آمد؟

مقاله ی تحلیلی زیر به دست مان رسیده که را برای روشن شدن افکار عمومی زحمتکشان منتشر می کنیم.

وقتی دکتر روحانی در سخنرانی خود اعلام کرد که: «ما فقط تنگه هرمز را نداریم و همه تنگه ها را خواهیم بست... ایران نمی تواند نفت نفروشد و نظاره گر فروش نفت در منطقه باشد...» بسیاری متوجه اصل پیام نشدند و عده ای این تهدید را مسخره کردند، لذا لازم دیدیم که یک گزارش مصور از اقدامات انجام شده در مورد تنگه های مورد نظر آماده کرده و برای دوستانی که کمتر با بحث جغرافیای نظامی یا سیاسی آشنا هستند، منتشر کنیم. این گزارش مصور دقیقن به ما نشان خواهد داد که چه اتفاقاتی در اطراف کشورمان در حال وقوع است و منظور دکتر روحانی از تنگه های تحت اختیار چیست .

در زمان ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد ، ایران بحث بستن تنگه هرمز را مطرح و حتا منجر به حضور سنگین ناوگان دریایی ایالات متحده آمریکا شد. تنش بالا گرفت که طرفین کوتاه آمدند و حتا اگر یادمان باشد آقای محسن رضایی در مناظرات تاریخی سال ۸۸ به آقای احمدی نژاد گفت که: «تو با حرف زدنهای داشتی مملکت رو تا آستانه جنگ پیش میبردی»

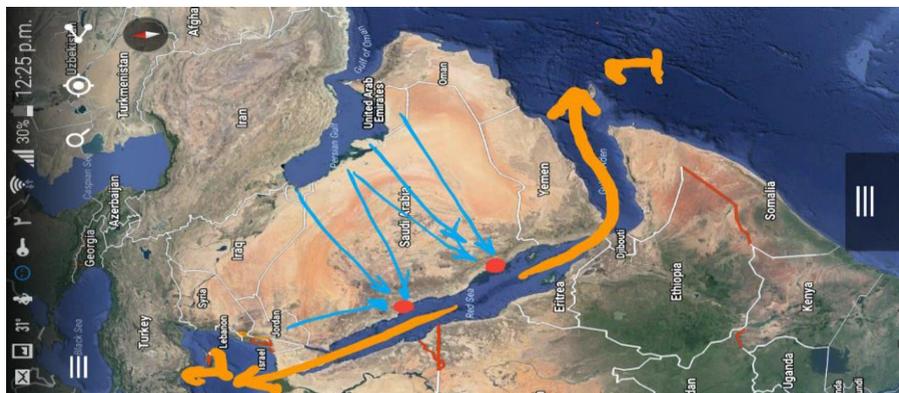
از آن موقع اعراب به فکر راه چاره افتادند و تلاش کردند لوله نفت از کشورهائشان به مقصد عمان در شرق تنگه هرمز کشیده و در آنجا یک سکوی بارگیری نفتی ساختند. که اگر تنگه هرمز به هر دلیلی بسته شد، شریان نفتی قطع نشود. در همان زمان ایران روبروی اسکله یا سکوی نفتی عمانی ها، در بندر جاسک، یکی از عظیم ترین پایگاههای موشکی را احداث

کرد تا خیال اعراب همچنان نگران بماند که در شرایط اضطرار هم نمی توانند از خلیج فارس و دریای عمان نفت صادر کنند .



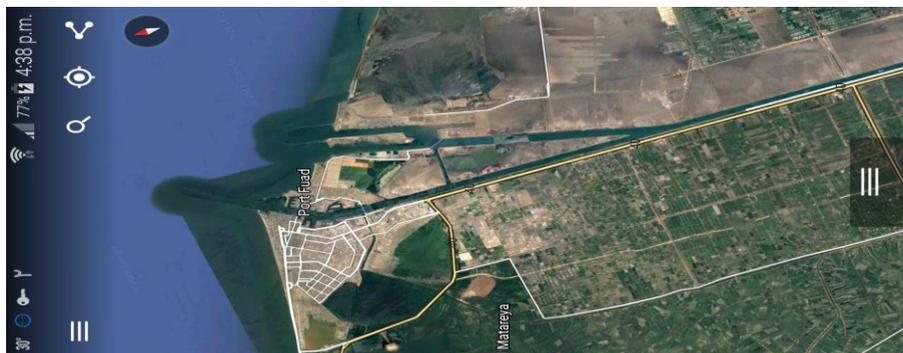
لکه سبز در عمان  همان اسکله نفتی ست و فلش مقابلش در ایران بندرجاسک و سایت موشکی .

اعراب پس از این موضوع به سراغ دریای احمر یا دریای سرخ که از جنوب غربی تا غرب و شمال غربی عربستان امتداد پیدا میکند رفته و عربستان سریعن بندرهای صادرات نفت احداث کرد تا دور از دسترس ایران باشد. اما این ترفند یک ایراد داشت. دریای احمر از دو طرف به دو تنگه ختم می شود، از سمت شمال و در محل ورود به دریای مدیترانه به کانال سوئز و از سمت جنوب به خلیج عدن و ورود به اقیانوس هند. حال باید از تنگه باب المندب عبور کرد و برای صادرات نفت به اروپا و آمریکا باید از کانال سوئز رد شد و برای صادرات نفت به هندوچین و خاور دور باید از باب المندب گذشت . به این تصاویر توجه بفرمایید



اعراب با کشیدن لوله های نفتی (خطوط آبی) به محل های قرمز (اسکله های جدید صدور نفت عربستان در دریای احمر آماده انتقال نفت از این دریا کرده اند. مسیر یک با عبور از باب المندب و ورود به خلیج عدن، وارد اقیانوس هند شده و از مسیر دوم با عبور از کانال سوئز وارد دریای مدیترانه جهت صدور نفت به اروپا از طریق دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق وارد اقیانوس اطلس می شود. با این طرح نفت را میتوان به اروپای غربی و آمریکا صادر کرد.

ایران با این اقدام اعراب که با بستن تنگه هرمز صدور نفت باز هم ادامه خواهد داشت، دست به تحرکات سیاسی زده و به سراغ مصر رفته و در آن زمان مرسی را مجاب کردند که عبور نفتکشهای عرب را از کانال سوئز ممنوع کند. اعراب هم با کمک آمریکا در یک اقدام بی سر و صدا مرسی را از حکومت به زیر کشیده و یک حکومت نظامی حامی اعراب روی کار آورده و با سرازیر کردن دلارهای نفتی، کانال سوئز را به شدت توسعه دادند تا مناسب عبور کشتی های بزرگ شده و دو کاناله هم باشد. به این تصویر زوم بالا از کانال دقت کنید، که دو شاخه شدن و توسعه کانال بوضوح مشخص است (۱)



این اقدام ایران گویا خیلی موثر نبود، زیرا تنگه اصلی تر تنگه باب المنذب در ورودی خلیج عدن هست و بیشترین حجم نفت خاورمیانه به خاور دور از این مسیر انتقال می یابد. حال اگر این تنگه قابل عبور نباشد و نتوان نفت های عربی را از دریای احمر و از تنگه عبور داد، باید کل قاره آفریقا رو دور زده شود تا برسد بدست مصرف کننده .

به این تصاویر توجه بفرمایید  منطقه هاشور خورده محل تنگه باب المنذب  هست





و اگر نفت دریای احمر نتواند از این تنگه عبور کند باید کشتی‌ها دور آفریقا را دور زده تا بتوانند نفت را به خاور دور برسانند از این مسیر



پس برای حفظ نبض صادرات نفتی که اعراب با خون دل لوله هایشان رو احداث کرده بودند به دریای احمر، باز بودن تنگه باب المندب بسیار مهم و حیاتی هست. حالا دوباره به این تصویر توجه بفرمایید  خب امروز با حمله یمنی‌ها به این تنگه و زدن یک نفت کش عربستانی صادرات نفت عربستان و منطقه با چالش روبرو شده است.

همسایه های این تنگه، از شمال یمن و از جنوب جیبوتی هست. ایران در زمان دولت آقای احمدی نژاد خیلی سعی کرد حکومت جیبوتی را با خود همراه کند و در آنجا بیمارستان و مدرسه ساخت و چند بار سفرای ما به این کشور سفر کردند کرد اما با واریز دلارهای عربی روابط کشورمان با جیبوتی بهم خورد.

با جنگ خانگی در یمن، حوثی ها توانستند کنترل تنگه را به دست بگیرند. اینجا بود که عربستان دیگر تحمل نکرده و با حمله نظامی به یمن تمام خاکهای هم مرز این کشور رو با این تنگه گرفت !!! این محلهایی هست که نیروی های عربستانی اشغال کردن و با این کار باعث شدند که کنترل از روی آبراه باب المندب توسط ایرانی ها و حوثی ها برداشته بشود



خوب ایران دید کنترل این قسمت هم گویا زیاد نمی تواند مطمئن باشد پس تلاش کرد روی یک نقطه ای که اصلن به فکر اعراب نمیرسد متمرکز شده و در آنجا حضور پیدا کند و شریان نفتی اعراب رو عندالزوم تحت فشار قرار بدهد. قطعن شما هم نمیتونید حدس بزنید چون واقعن حضور ایران در آنجا بسیار شگفتی برانگیزه. ولی متاسفانه آنجا هم شانس نیاوردیم. آنجا جایی نیست جز مراکش 🇲🇦 🇲🇦 🇲🇦



قسمت هاشور سبز (محل اشغال سرزمین یمن توسط ائتلاف عربستان است و نبرد سر کنترل تنگه باب المندب در اینجا است). مرتبن انصاراله حمله می کند تا بتواند به یک فاصله مناسبی برسد تا با موشکهایش که چندان دقت ندارند و توپهای سبک، کانال را تحت کنترل در آورد. اما اعراب با حمایت هواپیماهای آمریکایی تاکنون نگذاشته اند این اتفاق بیفتد. این کل ماجرا جنگ یمن است.



همانطور که میبینید ﷺ تنگه جبل الطارق ورودی دریای مدیترانه به اقیانوس اطلس بوده و مراکش در جنوب این تنگه واقع شده است. در واقع ایران خواسته بود با مناسبات دیپلماتیک با مراکش، بتواند در موقع لزوم جلوی عبور نفت اعراب از این تنگه به اروپا و آمریکا را بگیرد. برای همین هم بود که دقیقن چند روزی قبل از بازی های جام جهانی مراکش ارتباطات خودش را با ایران قطع کرد ﷻ.

ارایه این تحلیل برای این است که بدانیم که ایران و اعراب سر صادرات نفت چه جنگ عظیمی را در پیش دارند و تقریبین دامنه این نبرد و مهره چینی کل خاورمیانه و شمال افریقا را در بر خواهد گرفت. اینکه دکتر روحانی اعلام می کند: «این جنگ بزرگترین جنگ ها و صلح در این منطقه بزرگترین صلح هاست» از این جغرافیای سیاسی ریشه می گیرد.

همانطوری که دیدید عین مهره های شطرنج در برابر هر حرکتی طرف مقابل با زیرکی حرکت بعدی را انجام داده و منطقه با تهدید های احمقانه ترامپ به نقطه پایانی که رویارویی نظامی خواهد بود و یا صلح نزدیک می شویم .

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران خواستار صلح و مذاکرات همه جانبه در قبال حفظ یکپارچگی ایران، استقلال و عدالت اجتماعی است.

در جنگ این فرزندان زحمتکش هستند که قربانی سیاست های بی خردانه حاکمان خود خواهند شد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۵ مرداد ۱۳۹۷

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

ای کسانی که ایمان آورده اید،

بیانید یک روز را بنام فقر نامگذاری کنیم. هر ایرانی که در قلبش ذره ای از انسانیت داشته باشد. حتی ۱۰ نفر جمع شویم به یک فقیر کمک کنیم، تمام نمی شود، اما کم می شود. برای یک نفر فقیر صد تا صندوق صدقه وجود دارد. اما همه جا فقر هست .

هر وقت بکسی می گویی به فلانی کمک کنیم، می گوید ولش کن معتاده . خانواده اش که معتاد نیست. مواد مخدر را خودش که نکاشته. هر کجا ماشین باشد حتماً تصادف هم رخ خواهد داد . چه کسی حاضره تصادف کنه .؟؟

هیچکس حاضر نیست معتاد شود. (اگر مواد در کشور نباشد چه کسی می تواند معتاد شود. اگر این همه جریمه، زندان، هزینه دادگاه، مامور و را برای جمع آوری و درمان مواد بکنند. چه می شه)

هیچکس راضی نیست مریض شود. هیچکس مایل نیست فقیر باشد. هیچکس عمدن تصادف نمی کند.

چه کسی مال دنیا را تقسیم کرده .؟ شما شدی میلیاردر من شدم فقیر.

بهترین عید برای ما ایرانیان عید نوروز است . اما !!!!! همه ناراحتند از رسیدن عید . حاضر نیستند. پیشواز عید بروند . چون ندارند. اینطوری که پیش می رود . دید و بازدید هم اس ام اسی خواهد شد .

من از دوستان خواهشمندم .یک روز را در تقویم خودشان. روز فقر نام گذاری کنند . نگوئید نداریم حتی با یک ۵ تومن می توانیم دل کودکی را شاد کنیم.

کازیم عاشقی

اتفاقی فوق العاده زیبا

در یکی از روزهای سرد ماه ژانویه و در یکی از محلات فقیر نشین در شهر واشنگتن دی سی، صبح زود مردم آن منطقه که اکثرن کارگران معدن و یا صاحب مشاغل سیاه بودند از خانه هایشان بیرون زدند تا یک روز پر از رنج و مشقت دیگر را آغاز کنند. زنان و مردانی که تفریح و لذت در زندگیشان نامفهوم بود و به قول معروف آنها زندگی نمی کردند! بلکه به اجبار زنده بودند، ریاضت می کشیدند تا نمیرند...

آن روز طبق معمول مردم بینوا در حالی که خیلی هایشان کارگر روزمزد بودند، نمی دانستند آیا امشب هم با چند دلار به خانه باز می گردند و یا باید با دستان خالی به خانه های محقرانه شان بروند و شرمنده فرزندانیشان شوند...

با این افکار خود را برای روزی مشقت بار آماده می کردند که ناگهان! صدای ویولن زیبایی از گوشه یک خرابه به گوش رسید... آوای ویولن آنقدر زیبا و مسحور کننده بود که پای آن مردم فقیر را از رفتن باز نگه داشت...

اکثر آنها با اینکه می دانستند اگر دیر برسند جریمه می شوند ولی بدون توجه به این مشکل در آن خرابه که اندازه یک سالن اجرای کوچک بود جمع شدند. حدود دو ساعت و نیم با گوش دادن به آن آهنگهای زیبا و استثنایی اشک ریختند، خندیدند و به خاطراتشان فکر کردند...

سرانجام نیز ویولونیست خیابانی که مردی سی و پنج ساله بود کارش که تمام شد ویولن خود را برداشت و آماده رفتن شد اما در میان تشویق بی امان مردم و همان حال و احوال همه را به صف کرد و به همگی که حدود سیصد نفر بودند مقدار پولی داد و سپس در حالی که برای آنان بوسه می فرستاد سوار تاکسی شد و آنجا را ترک کرد تا مردمان فقیر از فردا این ماجرا را همچون افسانه ها به دوستانشان بگویند...

اما در آن روز هیچکس نفهمید ویولونیست سی پنج ساله کسی نیست جز جاشوا بل، یکی از بهترین موسیقی دانان جهان که سه روز قبل بلیت کنسرتش هر کدام صد دلار به فروش رفته بود...

فردای آن روز جاشوا به یکی از دوستانش که از این موضوع با خبر شده بود گفت: من فرزند فقرم، آن روز وقتی در اجرای کنسرت فقط مردم ثروتمند را دیدم از خودم خجالت کشیدم که تهی‌دستان را از یاد برده‌ام به همین خاطر به آن محله فقیرنشین رفتم و همان کنسرت دو ساعت و نیم را تکرار کردم، بعد از آن هم وقتی متوجه شدم که اکثر آنها به خاطر من باید جریمه شوند تمام پولی که از کنسرت نصیبم شده بود را در میان آنها تقسیم کردم و چقدر هم لذت بردم...

چه خوب و دوست‌داشتنی‌اند انسان‌هایی که وقتی به منزلت و مقامی دست پیدا می‌کنند، مردم و گذشته‌شان را فراموش نمی‌کنند...

خاطره ای از جاشوا بل. موزیسین معروف

◆ سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

◆ در شرایطی که زنان و مردان کارگر، شغل خود را از دست می‌دهند، بحث و گفتگو درباره ی حقوقی، چون: نگهداری از کودکان، آسان نیست.

اما طرح این مسائل ضروری است، زیرا نیروی کارگران، بطور عمده در محیط‌های کارگری گسترش می‌یابد که زنان نیز کار می‌کنند.

وقتی همبستگی و تفاهم میان زنان و مردان کارگر وجود داشته باشد، به ویژه در زمینه ی رفع تبعیض‌های جنسیتی، می‌توان در دشوارترین زمان‌ها هم پیشرفت کرد.



سالانه ۴۰ هزار دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله ازدواج می‌کنند!

به گزارش مجلس، ازدواج و طلاق کودکان در هفت استان خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. هم اکنون ازدواج‌های سنین پایین و به صورت خاص، گروه سنی ۱۴ سال و کم تر دختران براساس آمارهای ارایه شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، ۵/۵ درصد از ازدواج‌های کل کشور را به خود اختصاص داده اند...

گزارش این مرکز که به تازگی منتشر شده، نشان می‌دهد بالاترین فراوانی ازدواج دختران در ایران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال با ۱۹۶ هزار و ۵۲۹ مورد و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۰۴ هزار و ۲۰۲ مورد بوده است.

در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، ۴/۹ تا ۵/۶ درصد، یعنی به طور میانگین، سالانه حدود ۴۰ هزار مورد از کل ازدواج‌های ثبت شده در کشور نیز در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله قرار داشته اند.



اسمش کارمه خاسون بود.

اولین زنی که در اسپانیا به سمت وزارت دفاع رسید.

✓ در سال ۲۰۰۸، وقتی در کابینه‌ی سوسیالیست زاپاترو وزیر دفاع شد، ۳۷ ساله بود. دکترای حقوق داشت و سال‌ها بود در حزب سوسیالیست اسپانیا عضویت داشت، نماینده مجلس بود و قائم‌مقام مجلس نمایندگان و وزیر مسکن.

وقتی زاپاترو او را به سمت وزارت دفاع منصوب کرد، هفت ماهه باردار بود. در جواب سوال رسانه‌ها که پدر بچه کیست، گفت این مساله شخصی زندگی اوست و گمان نمی‌کند به دیگران مربوط باشد. در اوج بارداری‌اش به افغانستان رفت تا از نیروها و قرارگاه‌های اسپانیا در افغانستان بازدید کند.

✓ وقتی تصاویرش منتشر شد که با شکم برآمده از نیروهای نظامی سان می‌دید، در هلند دانشجوی بودم. یکی از اساتیدمان سر کلاس تصویرش را نشان داد، داشت برایمان توضیح می‌داد «اتفاق تازه» در هر عرصه یا «اولین» یا «تابوشکنی» را باید چطور پوشش داد.

✓ از توضیحات آن روز استاد چیزی یادمان مانده است، مدت طولانی مبهوت تصویر این زن و شکم باردارش مانده بودم که وزیر «وزارتخانه ای مردانه» شده بود و در یکی از مردسالارترین فضاها (ارتش) از نیروهای تحت وزارتاش سان و احترام نظامی می‌دید.

✓ تصویرش مثل پتکی بر فرق سرم بود. عجیب بود و غریب و تازه و دور، خیلی دور ... همه‌ی این سال‌ها این تصویر، از مجموعه‌ی معدود تصاویر ماندگار پس ذهنم شده است که فراموش نکردم. تصویری کلیدی در درهم شکستن بعضی کلیشه‌های ذهنی‌ام بود و باقی ماند. کارمه خاسون از کودکی به نوعی بیماری قلبی مبتلا بود. از کودکی پزشکان توصیه کرده بودند کارهای استرس‌زا و پرمسئولیت قبول نکند و هیچ‌وقت گوش نکرده بود.

✓ دیروز جنازه‌اش را در خانه‌اش پیدا کردند. در سن ۴۶ سالگی قلب ضعیف‌اش بالاخره از تنبیدن ایستاد و زنی که اولین وزیردفاع زن تاریخ کشورش و جوان‌ترین عضو کابینه بود و سال‌ها هر روز زندگی‌اش، مستقل و روپا و بی‌توجه به کلیشه‌ها زیسته بود، از دنیا رفت.

این سال‌ها هر جا زنی اسپانیایی را دیدم، شنیدم که او را دوست داشت و ستایش می‌کرد. تصویرش از یادمان نرفت، و نخواهد رفت.

فرناز سیفی

زنان شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می‌گویند: همیشه ترجیح اول آقایان اند

“ اینجا اتاقی نیست که دوربین نداشته باشد، همیشه ترجیح اول آقایان هستند، ” فکر می‌کنند چون خانم هستیم خرج زندگی نداریم ” حرف‌های دو پهلوی مدیر را چطور معنی کنم؟ ”، “ بعضی خانم‌ها سعی می‌کنند بقیه را دور یا خراب کنند ” فکر می‌کنند حتما زندگی یا پدر و مادر خوبی ندارم که حاضر شده‌ام آنجا کار کنم ” مدیر سعی داشت به هر بهانه‌ای بدنم را لمس کند ” اینها بخشی از گفته‌های زنان شاغل در مورد مشکلاتشان در محیط کارشان است..

بسیاری از مشکلات با زمینه جنسیتی برای زنان شاغل وجود دارد که به گفته برخی از آنها “بسیار آزاردهنده” است و هر روز با آنها سروکله می‌زنند، اما چندان به آن توجه نمی‌شود؛ از نبودن مکانی برای تعویض لباس در محیط‌های کاری تا مدیریت پیچیده روابط با همکاران.

در گپ‌وگفت با چند زن شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می‌پرسیم. همچنین پرسشنامه‌ای برای تعدادی از زنان شاغل به صورت تلگرامی ارسال شد که در ادامه با گزینش بخش‌هایی از صحبت‌های زنان شاغل و پاسخ‌های برجسته صاحب‌ه‌شوندگان به بررسی برخی از مشکلات آنها در محیط کار می‌پردازیم.**.

پوشش مناسب

انتخاب و پوشیدن لباس مناسب برای محیط کار تقریباً دغدغه تمام زنان شاغل است. زنان شاغل در انتخاب نوع پوشش علاوه بر علاقه شخصی باید موارد دیگری را هم در نظر داشته باشند: از تفاوت دمای محیط‌ها و عدم امکان

تعویض لباس تا حضور همکاران و نظر آنها؛ که این مساله انتخاب پوشش مناسب را برای آنها دشوار می‌کند.

زهره ۲۳ ساله، که مجرد است و در یک شرکت خصوصی، طراحی سازه انجام می‌دهد بزرگترین مشکلش در محیط کار را مربوط به دشواری انتخاب پوشش مناسب می‌داند: «خیلی سخت است هم‌ااش لباسهایم باهم جور باشد. مثلاً بیرون هوا سرد است و داخل مترو و شرکت گرم. مجبور هستم یک مانتو همراهم بیاورم و در راه فقط کاپشن بپوشم و اینجا اتاقی نیست که دوربین نداشته باشد و مجبور هستیم یا در آشپزخانه یا سرویس لباسهایمان را عوض کنیم.»

ندا، مجرد و ۲۹ ساله که کارمند بازرگانی در یک شرکت خصوصی است، مجبور است با توجه به حضور همکاران نوع پوشش را تغییر دهد را یکی از مشکلات اصلی در محیط کار می‌داند: «گاهی نگاه همکارانم به بدنم را متوجه می‌شوم که آزارم می‌دهد و مجبورم می‌کند جور دیگری لباس بپوشم.»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

شرایط مطلوب تر در محیط‌هایی که زنان کار می‌کنند به معنای این است که کارگران دیگر هم می‌توانند این شرایط را خواستار شوند.

اگر شغلی برای زنان خطرناک است، برای مردان هم همینگونه خواهد بود.

محیط کاری فارغ از آزار و اذیت و تهدید و ارباب مطلوب مردان و زنان کارگر است.

برابری برای زنان و مردان کارگر، این است شعار سندیکاهای کارگری.

دوست من کسی است
 که نانش را با من قسمت می کند
 نه فقط حرفش را.
 رفیق من کسی است
 که منافعش را با من قسمت می کند
 نه خیالبافیهای رورانه اش را.
 آنکه همیشه از ایده های مشترک می گوید
 که نان من نیست و زندگی
 انسان جاه طلبی است
 در جستجوی نردبانی
 برای پیمودن راه حکومت
 تا برگردده مان نشیند و
 یوغ بردست
 برای پی ریزی ایده هایش.
 هرگاه لازم شد
 سخنی نخواهد گفت
 و یا حرف دیگری خواهد گفت
 دوست من کسی است که نانش را قسمت میکند

تحصیل انسانیت

دکتر ویکتور فرانکل تنها کسی بود که موفق شد از زندان آشویتس در پোলند، معروف به کشتارگاه آدم سوزی، فرار کند. او در نامه ای خطاب به آموزگاران سراسر جهان برای تمام تاریخ چنین نوشت:

"چشمان من چیزهایی دیده اند که چشم هیچ انسانی نباید ببیند. من اتاق های گازی را دیدم که توسط بهترین مهندسين طراحی می شدند، من پزشکان ماهری را دیدم که کودکانِ معصوم و بی گناه را به راحتی مسموم میکردند، من پرستارانی کاربلد را دیدم که انسان ها را با تزریق یک آمپول به قتل می رسانند، من فارغ التحصیلان دانشگاهی را دیدم که می توانستند انسان دیگری را در آتش بسوزانند و مجموع این دلایل مرا به آموزش مَشکوک کرد. از شما تقاضا میکنم که تلاش کنید قبل از تربیت دانش آموزانتان به عنوان یک دکتر یا یک مهندس از آنها یک انسان بسازید تا روزی تبدیل به جانوران_روانی_دانشمند نشوند. پزشک یا مهندس یا اسقف و ملا شدن کار چندان دشواری نیست و هرکسی می تواند با چند سال تلاش به آن برسد اما به دانش آموزان خود بیاموزید که بهترین و بزرگترین ثروت هر کدام از آنها انسانیت است که با هیچ عقیده و باوری و مدرک تحصیلی در جهان قابل مقایسه نیست!"

ورود صرفن "یکبار" در سال به "مقوله دستمزد سالانه کارگران" در ماده ۴۱ قانون کار "صحت ندارد."

با سازمان‌دهی اعتراض‌های منسجم کارگری و مبارزه‌ای متحد و پیگیر، خواست افزایش دستمزد کارگران تا حدی که "معاش یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کند" را به خواست اساسی کارگران تبدیل کنیم.

ایمنی در کار، یعنی کیفیت دستمزد

تعریف حادثه در قانون تأمین اجتماعی- اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تأثیر عامل یا عوامل خارجی رخ می‌دهد و موجب صدماتی به جسم یا روان بیمه شده می‌گردد. بدین ترتیب هر اتفاقی را نمی‌توان حادثه تلقی نمود مگر دارای ویژگی ۴ گانه زیر باشد، ۱- اتفاق قابل پیش‌بینی نباشد ۲- وقوع آن ناگهانی باشد ۳- متأثر از عامل یا عوامل خارجی باشد ۴- باعث وارد آمدن صدمه به جسم و روان فرد گردد. بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها اتفاقی نظیر خودکشی که قابل پیش‌بینی می‌باشد و یا سگته که علی‌الاصول بدون تأثیر عوامل خارجی صورت می‌گیرد را نمی‌توان حادثه تلقی کرد.

بند دوم از قوانین تأمین اجتماعی شرایط وقوع حادثه ناشی از کار را بر دو شرط عمده مشروط می‌کند. شرط اول این‌که- حادثه حین انجام وظیفه واقع شده باشد و در غیر این صورت حالت ناشی از کار بودن حادثه از بین می‌رود. به عبارتی فقط اوقاتی که بیمه شده در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمان‌ها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا زمانی که بیمه شده به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه مأمور انجام کاری باشد حادثه ناشی از کار تلقی می‌شود و شرط دوم این‌که، حادثه به سبب انجام وظیفه واقع شده باشد. حادثه به سبب انجام وظیفه عبارت است از وجود رابطه سببیت بین کار و حادثه‌ای که برای بیمه شده اتفاق می‌افتد.

در مواردی که حادثه در کارگاه یا مؤسسات وابسته یا ساختمان‌ها و محوطه آن وقوع می‌یابد شرط حین انجام وظیفه محقق است، ولی ناشی از کار بودن حادثه محرز نیست و در این مورد قطعیت ناشی از کار بودن حادثه منوط به این است که وجود رابطه سببیت بین حادثه و وظایف و مسئولیت‌های بیمه شده محقق گردد. بنابراین شرط دوم ناشی از کار بودن وجود رابطه سببیت بین کار و حادثه می‌باشد.

مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۲۹)

✓ شهرها که عمده ی ساکنین آن را پیشه وران و سوداگران تشکیل می دادند، تحت نفوذ و قدرت فئودالی بودند که شهر در زمین متعلق به او ساخته شده بود. شهرنشینان برای آزادی خود دست به جنگ هایی زدند و اغلب به استقلال نایل آمدند. رشد شهرها و توسعه و تکامل تجارت، تاثیر عظیمی در حومه ی فئودالی شهر به جا گذارد.

اقتصاد اشراف زمیندار به طور روز افزون به سوی گردش بازار رانده می شد. اشراف زمیندار برای خرید تجملات نیازمند پول بودند و در نتیجه آنان به جای رانت کار و رانت جنسی، دهقانان را وادار به پرداخت رانت نقدی نمودند. استثمار فئودالی با گذار به مرحله ی رانت نقدی، شدت بیشتری یافت، و مبارزه ی بین زمیندار با دهقانان باز هم حادثر شد.

فروپاشی و زوال زمینداری و ظهور مناسبات سرمایه داری در درون نظام زمینداری

✓ در نظام زمینداری نیروهای مولد به سطحی بالاتر از نیروهای مولد نظام برده داری، ارتقاء یافتند

✓ تکنیک تولید در کشاورزی بهبود یافت

✓ استفاده از شخم آهنی و سایر کار افزارهای آهنی رواج بیشتری یافت.

✓ در زراعت، رشته های تازه ای پیدا شد. کشت انگور، شراب سازی و سبزی کاری رشد قابل ملاحظه ای یافت. در پرورش و نگهداری دام های روستایی و رشته های فرعی وابسته به آن، یعنی تولید شیر و پنیر، پیشرفت هایی حاصل شد. مراتع و چراگاه ها بهبود و توسعه یافت. رفته رفته، کار

افزارهای صنعتگران دستی، و روش های تهیه ی مواد خام پیشرفت و بهبود حاصل کرد. پیشه ها تخصصی شد، به مرور زمان حرفه های تازه ای مانند اسلحه سازی، میخ سازی، چاقوسازی، قفل سازی، کفاشی، زین سازی و سراجی و پیشه های دیگر پیدا شدند. در ذوب و تهیه آهن اصلاحاتی به عمل آمد. نخستین کوره های قالب گیری در قرن ۱۵ به وجود آمد، اکتشافات بزرگ جغرافیایی نیز به این دوره مربوط می گردد .

نظام زمینداری، که نیروهای مولد جدید تاکنون در بطن آن تکامل یافته بودند، از این پس در تکامل بیشتر آن ها نقش ترمزی را بازی می کرد .

✓نیروهای مولد با چهار چوب تنگ روابط تولیدی زمینداری تصادم کردند

دهقانان که یوغ استثمار فئودالی را تحمل می کردند ابداً در وضعی نبودند که بازده ی تولید کشاورزی را افزایش دهند.

□♦✓بازده ی تولیدی کار، کار سرف روز به روز کمتر می شد.

✓در شهر بازده ی روز افزون کار صنعتگران دستی در نتیجه ی مقررات و قوانین صنفی با مشکلاتی مواجه گردید .

تمام این ملاحظات اضمحلال روابط تولیدی کهن را اقتضا کرده و مبین نیاز به برقراری روابط نوینی بود که از قیود نظام زمینداری آزاد باشد.

✓ روابط تولیدی سرمایه داری رفته رفته در داخل نظام زمینداری پیدا می شد.

پیدایش و تکامل حیات (۱۷)

ویروس‌ماندها

✓ کاهش تدریجی مواد غذایی آزاد و تکامل نوکلئوپروتئین‌ها، جریان اوضاع را به صورت دیگری تغییر داد. چون مواد غذایی تدریجا کاهش یافتند، تنازع بقا میان نوکلئوپروتئین‌ها به خاطر به دست آوردن آن‌ها، تشدید شد. از میان جهش‌هایی که قدرت تنازع را زیاد کردند ممکن است جهش مربوط به افزایش درجه همبستگی ملکول‌ها به یکدیگر (یا درجه چسبندگی مولکول‌ها) بوده باشد. موادالی دارای سازمان پیچیده عموماً خاصیت چسبندگی دارند و هرکس که یک بار تخم‌مرغ، گوشت، کله‌پاچه یا سریشم را دست زده باشد به این نکته توجه یافته است. ملکول‌های جدید نوکلئوپروتئین بسیار چسبنده هستند و تغییراتی که بر اثر جهش در آن‌ها روی داده است، ممکن است که این خاصیت را به درجات گوناگون در آن‌ها تقویت کرده باشد. بنابراین، چنان‌که در بالا اشاره شد، بعضی از نخستین نوکلئوپروتئین‌ها، صاحب خاصیت چسبندگی و تولید توده‌های مولکولی شدند.

✓ احتمال می‌رود که این‌گونه توده‌های مولکولی توانسته باشند، به نوبه خود، قشری از مواد غذایی به دور خود جمع کنند. چنین قشری که مرکب از غذاهای آماده برای تغذیه مولکول‌های توده بود، در دسترس مولکول‌های آزاد قرار نداشت. هر جهشی که، در نتیجه تاثیر اوضاع محیط، درجه‌ی چسبندگی مولکول‌ها را زیاد می‌کرد، خود امتیازی به نفع توده‌های مولکولی بود و چنین جهش‌هایی بودند که تکامل توده‌های متنوع نوکلئوپروتئین‌ها را پیش بردند. با این روش سرانجام ویروس‌ماندها به وجود آمدند.

✓ در حال حاضر، ویروس‌ها توده یک‌پارچه‌ای از ملکول‌های نوکلئوپروتئین هستند که در قشر نازکی از مواد پروتئینی محصورند. تولیدمثل و جهش و

تکامل ویروس‌ها وضع خاصی دارد. ویروس‌های کنونی به حدی به نخستین ویروس‌ها (ویروس‌ماندها) شباهت دارند که امکان دارد از جانشینان مستقیم آن‌ها باشند. همه‌ی ویروس‌های کنونی انگل‌اند. یعنی تنها هنگامی آثار حیاتی بروز می‌دهند که در پیکر جانوران یا گیاهان زنده دیگر به سر برند. ویروس‌ها در خارج از بدن موجودات زنده دیگر، موادشیمیایی بی‌اثری بیش نیستند و قدرت تولیدمثل ندارند.

✓ به‌علت زندگی انگلی‌داشتن ویروس‌های کنونی، بیش‌تر زیست‌شناسان درباره‌ی اشتقاق آن‌ها از ویروس‌ماندها مردد هستند و بر این عقیده‌اند که ویروس‌های کنونی جانشینان انحطاط یافته موجودات زنده‌ای هستند که از نظر خواص حیات پیش‌رفته‌تر از شبه ویروس‌ها بوده‌اند. ممکن است این نظر درست باشد ولی یقین نیست. گیاهان و جانورانی که میزبان ویروس‌های کنونی هستند، درست به همان‌گونه غذا در دسترس این انگل‌ها می‌گذارند که در اقیانوس غذا در دسترس ویروس‌ماندها قرار داشت. اگر ویروس‌ماندها را از اقیانوس محتوی غذای لازم جدا می‌ساختند، مسلمن به توده‌های شیمیایی بی‌اثر و فاقد قدرت تولید مثل تبدیل می‌شدند. درست به همان‌گونه که حیوانات کنونی میزبان ویروس‌های انگل هستند، اقیانوس‌اولیه نیز میزبان ویروس‌ماندها بود. هنگامی که اندوخته‌ی غذایی اقیانوس‌اولیه کاهش یافت، ممکن است که شبه ویروس‌ها منبع غذایی دیگری در بدن موجودات زنده دست و پا کرده باشند. احتمال دارد که ویروس‌ماندهای اولیه بدین روش به سوی زندگی انگلی سوق داده شده باشند و در نتیجه از اجداد ویروس‌های کنونی به شمار می‌روند.

